

کارگران همه ی کشورها  
متحد شوید

# نبرد خلق

ارگان سازمان چریک های فدایی خلق ایران

شماره ۴۶۰  
دوره چهارم - سال سی و نهم  
۲۶ بهمن ۱۴۰۱  
ویژه رستاخیز سیاهکل

## پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

صفحه ۲



## شب اتحاد و همبستگی همایش پنجاه و دومین سالگرد رستاخیز سیاهکل برگزار شد

صفحه ۴

### متن سخنان ابوالقاسم (محسن) رضایی

صفحه ۷

### متن سخنان زینت میرهاشمی

صفحه ۵

شولایش را تکانی داد، بهار چکید قطره قطره  
فتح الله کیانیها

صفحه ۹

### یازدهمین اجلاس

### شورای عالی سازمان برگزار شد

صفحه ۶

### روزگار کودکی ام

مرضیه احمدی اسکویی

صفحه ۱۰

### گزارش سیاسی

### سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

### به یازدهمین اجلاس شورای عالی

صفحه ۱۱

م. وحیدی

صفحه ۱۰

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

## پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

## به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

این چنین است که در سراسر فلات آفتاب و باد، «زنگ انقلاب» به صدا در آمده، «توفان شکوفه» داده و «آفتابکاران جنگل» ماندگار و تکثیر شده است.

ما در بیانیه به مناسبت چهل و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل که در بهمن سال ۱۳۹۰ منتشر شد نوشتیم: «معرکه گیران دربار خامنه ای و تئوریسینهایی که به نابودی چپ و بی بدیل بودن نو-لیبرالیسم عنان گسیخته ایمان آورده اند، می کوشند تا سیمای جنبش فدایی در سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ را مخدوش کنند. اما این تلاشهای مذبحخانه که ایشخور آن نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی است، هرگز نتوانسته واقعیت را زیر انبوه چرندیاتی که تحت عنوان «تحقیق» و «بررسی تاریخی» منتشر شده، پنهان کند.»



ما هر سال واکنش یکسان شاه و خمینی را یادآوری می کنیم که مهربانانه بر نقش مهم رستاخیز سیاهکل و جنبش پیشتاز فدایی طی سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ می زند. اسدالله علم در خاطراتش از قول شاه می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلاً باور کردنی نیست، حتی زنها تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص سیانور در دهان شان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند.» (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)

خمینی جلاد از همان ابتدا با فرومایگی علیه جنبش پیشتاز فدایی به موضع گیری پرداخت. او در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ نوشت: «باید حادثه سازیهما و شایعه پردازیهایی را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید، نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل.» موضع حقیرانه و ارتجاعی خمینی آنگونه بود که وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارز»، ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ رسید، جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۶-۴۸۷)

## انقلاب ژینا با پیشتازی زنان

روز ۲۵ شهریور امسال مزدوران خامنه ای زنده یاد ژینا (مهسا) امینی را به قتل رساندند و با ارتکاب این جنایت جرقه جنبش و خیزشی زده شد که با شعار «زن، زندگی، آزادی» آغاز و به سرعت تار و پود جامعه را درنوردید و توده بپاخاسته را در برابر نظام حاکم با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن قرار داد. انقلابی که از آن روز آغاز شد، جلوه دیگری از بحران و شرایط انقلابی است که با خیزش دی ۱۳۹۶ به مرحله جدیدی از اعتلا پا گذاشت و با قیام قدرتمند هفته آخر آبان ۱۳۹۸، جامعه را وارد کشاکشی کرد که انفجاری بزرگ را در چشم انداز قرار می داد.

مدت کوتاهی پس از مهار قیام آبان که به وسیله کشتار دستکم هزار و پانصد تن از مردم به پا خاسته و دستگیری هزاران تن دیگر میسر شد، امیر محیبیان، یکی از تئوریسینهای باند خامنه ای و جریان اصولگرا، در سمیناری که گزارش آن را خبرگزاری ایرنا در روز پنجشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۸، پوشش داد، به انباشت خشم و نفرت مردم اعتراف کرد و گفت: «جامعه ما هم اکنون روی «بمب اجتماعی» قرار داشته که هر لحظه احتمال انفجار آن وجود دارد. نباید از کنترل آن پدیده با هر روشی خوشحال باشیم، بلکه باید بدانیم این موارد درحال نزدیک تر شدن به یکدیگر هستند. با این رویکرد من فعل کاهنده نمی بینم بلکه خشونت بیشتر و نفرت بیشتر را می بینم...» آری، ضامن «بمب اجتماعی» روز ۲۵ شهریور کشیده شد و انفجار عظیمی در سپهر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور ایجاد کرد که گستره، پهنا و عمق آن تمام کشور را دربر گرفت و تاکنون ضربه جبران ناپذیری بر بنیاد حکومت وارد کرده است. تمامی بقیه در صفحه ۳



پنجاه و دو سال پیش، در روز دوشنبه ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ و در کوههای دیلمان، با حمله یک گروه کوچک چریکی به فرماندهی رفیق علی اکبر صفایی فراهانی به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل و خلع سلاح آن، صفحه یک رستاخیز سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی در آسمان میهن گشوده شد.

در سلسله درگیریهای نابرابر پس از ۱۹ بهمن، رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سماعی در نبرد با مزدوران سرکوبگر رژیم شاه به شهادت رسیدند و شش رزمنده دیگر به اسارت درآمدند که رژیم شاه در یک واکنش هراس آلود، آنان را همراه با هفت تن دیگر که در روزهای پیش از ۱۹

بهمن دستگیر شده بودند، پس از شکنجه های بسیار در بیدارگاههای نظامی محاکمه و در سپیده دم روز چهارشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۴۹ به جوخه اعدام سپرد.

در این روز رفقا غفور حسن پور اصلیل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، محمدهادی فاضلی، عباس دانش بهزادی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسماعیل معینی عراقی، اسکندر رحیمی مسچی و هوشنگ نیری جان خود را برای آزادی و رهایی خلق محروم ایران فدا کردند.

حرکت انقلابی گروه جنگل که بازتاب وسیعی پیدا کرد، اقتدار شاه را به سُخره گرفت و به پژواک درد و رنج میلیونها ایرانی که زیر تازیانه و شلاق دیکتاتوری شاه بودند تبدیل و در «آن دیار بیقراران»، قرار همه مدافعان آزادی و برابری و آغازی بر تغییر معادله قدرت مطلق رژیم و ضعف مطلق مردم گردید.



با رستاخیز سیاهکل، جنبش نوین کمونیستی ایران از خاکستر خود سربرآورد و نام سازمان پرافتخار چریکهای فدایی خلق ایران بر تارک این جنبش به ثبت رسید.

رزمندگان گروه جنگل می دانستند که در چه راه پرفراز و نشیبی گام گذاشته اند و آماده بودند تا هزینه تصمیم خود را بپردازند. آنان می دانستند در راهی که برگزیده اند هیچ تقدسی وجود ندارد. آنچه که آنها را پیش می برد، نیروی انسانیت و عشق به رهایی و برابری بود.

نظریه پردازان ولایت خمینی و خامنه ای تلاش می کنند تا با وارونه کردن تاریخ، آن را جاهلانه در قد و قواره «انقلاب اسلامی» ترسیم کنند. نقشه ابلهانه آنان این است که نیروی اجتماعی بزرگی که مدافع آزادی و برابری است را بدون تاریخ درخشان، فاقد سنت انقلابی و تهی از اندیشه های پیشرو جلوه دهند. اما رویشها، خیزشها، جنبشها و قیامهای توده ای نشان داد که مبارزه فرودستان و تهیدستان برای «نان، کار و آزادی» و شور و شوق جوانان قیام کننده برای آزادی، سر باز ایستادن ندارد و



**پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل**

بقیه از صفحه ۲



سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به عنوان یک سازمان کمونیستی، همچنان به مبارزه تا رسیدن به آزادی و سوسیالیسم ادامه می دهد. در شرایط کنونی خواست اولیه و مقدم مردم ایران که همه شیفتگان آزادی در راه آن بیکار می کنند، سرنگونی رژیم حاکم با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن و به سرانجام رساندن انقلاب دمکراتیک نوین ایران است. این خواست، کانون ستیز (تضاد عمده) و گرانگه تحول جامعه ایران برای رهایی را تعریف می کند. از این رو ما «قیام همگانی و استفاده از تمامی اشکال مبارزه را حق مسلم مردم ایران می شماریم.

سازمان ما ایجاد هسته های مخفی مقاومت، تشکیل هسته های کوچک رسانه ای و خبر رسانی، ایجاد کمیته های مخفی عمل و شوراهای هماهنگی، سازمانیابی برای نافرمانی مدنی و... را راهکارهای ایجاد بی شمار کانونهای شورشی می داند. این راهکارها اشکال مناسب و عملی برای هماهنگی مبارزه کارگران، معلمان، کارمندان، مزدبگیران، پرستاران، دانش آموزان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، فرهنگیان و هنرمندان است و ما به سهم و توانایی خود در این مسیر تلاش می کنیم.» (گزارش سیاسی، مصوب نهمین شورای عالی سازمان، سه شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۵ / ۲ فوریه ۲۰۱۷)

برای تحقق این خواست ما از شورای ملی مقاومت ایران پشتیبانی کرده و به سهم خود در این ائتلاف دمکراتیک مداخله می کنیم. تلاشهای مذبحانه برای درهم شکستن اتحاد ما در شورا چه آگاهانه و از جانب نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی و چه ناآگاهانه و غرض ورزانه، نمی تواند خللی در عزم ما برای ادامه راهی که بدون تزلزل و فرصت طلبی انتخاب کرده ایم، ایجاد کند.

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»  
«زنده باد انقلاب دمکراتیک نوین مردم ایران»

**سازمان چریکهای فدایی خلق ایران**

آدینه ۱۴ بهمن ۱۴۰۱ - ۳ فوریه ۲۰۲۰



گروههای اجتماعی جبهه خلق با پیشتازی زنان، اساس ولایت بیدادگر خامنه ای با تمامی دسته بندیها و باندهای درونی آن را مورد تهاجم قرار داده و از خوزستان تا خراسان، از کردستان تا لرستان، از بلوچستان تا آذربایجان، از کلان شهرهایی چون تهران، شیراز، اصفهان، تبریز، کرمانشاه، کرج، اهواز، سنندج، مشهد، رشت و ... تا شهرهای کوچک و بزرگ همه استانهای کشور و حتی روستاهای کوچک، نظم فرتوت و ارتجاعی حاکم را به چالش کشیدند. جنبش سرنگونی در بلوغی کم نظیر، بحران و شرایط انقلابی را با فریادهای «مرگ بر دیکتاتور/ مرگ بر اصل ولایت فقیه/ جمهوری اسلامی نمی خواهیم نمی خواهیم/ خامنه ای قاتله، ولایتش باطله/ سپاه جنایت می کند، رهبر حمایت می کند/ دیکتاتور سپاهی، داعش ما شمایی/ دشمن ما همین جاست دروغ می گن آمریکاست/ سلیمانی قاتله، رهبر شمش خائنه/ مرگ بر این ولایت، این همه سال جنایت/ مرگ بر خامنه ای/ ننگ ما ننگ ما، رهبر الدنگ ما ...» و در اشکال گوناگون تانکیهای مبارزاتی نشان داده و به صراحت اعلام کرد: «بهش نگید اعتراض، اسمش شده انقلاب.»

انقلاب سترگ و پرتوان ۱۴۰۱ در این چند ماه بر این واقعیت مہر تایید زد که تضاد اصلی مردم ایران با رژیم حاکم در تمامیت آن است و این تضاد آشتی ناپذیر است. دو مولفه مهم در جامعه همچنان بر شرایط سیاسی حکم می راند: حکومت قادر نیست به شکل گذشته حکمرانی کند و مردم نیز نمی خواهند به شکل گذشته زندگی کنند. انقلاب جاری نشان می دهد که بر خلاف دیدگاه برخی از گروهها و شخصیتهای سیاسی، تحریم و فشار خارجی نه مردم را منقل می کند و نه آنان را در کنار استبداد مذهبی حاکم قرار می دهد.

برای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، رشد کم نظیر آگاهی و مبارزه محرومان و ستمدیدگان و بیداری و روحیه انقلابی زنان و مردان ایران زمین و فداکاریهای افشار مختلف مردم جای بسی افتخار و خرسندی دارد. شورای عالی سازمان ما به زودی دیدگاههای خود پیرامون زمینه ها و رویکردهای انقلاب جاری را به شکل مفصل تری اعلام خواهد کرد.

**زنان و مردان آزادیخواه!**

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آغاز پنجاه و سومین سال حیات خود یاد و خاطره همه زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی که در زندانهای شاه و شیخ، در پای چوبه های دار، در پیکار با دشمن در شهر و روستا و در راه هدفهای سترگ جنبش کمونیستی ایران به شهادت رسیدند را گرامی می دارد. ما به زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، صلح و پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت و نابودی ستم جنسیتی، مذهبی و ملی مبارزه می کنند درود می فرستیم.

ما یاد و نام تمامی دلاورانی که در راه تحقق خواستهای ترقیخواهانه مردم ایران جانفشانی کردند، به ویژه زنان، مردان، نوجوانان و کودکانی که در جریان جنبش انقلابی کنونی به شهادت رسیدند را گرامی می داریم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران مقاومت و پایداری زندانیان سیاسی و عقیدتی را ارج می نهد و همبستگی خود را با آنان اعلام می کند. ما همبستگی خود را با خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی اعلام کرده و به پایداری آنان ادای احترام می کنیم.

## شب اتحاد و همبستگی همایش پنجاه و دومین سالگرد رستاخیز سیاهکل برگزار شد



همایش با نمانگ «ضیافت»، اثری از «کارگاه هنر ایران» ادامه پیدا کرد و پس آن رفیق فتح الله کیانیها یکی از سروده های خود با عنوان «شولایش را تکانی داد/ بهار چکید قطره قطره» را که به یاد فدایی شهید رفیق سعید سلطانپور سروده بود، خواند. پس از آن بخشهایی از بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد حماسه سیاهکل (۱۹ بهمن ۱۳۴۹) خوانده شد.

پس از آن، رفیق زینت میرهاشمی سخنان خود را شروع کرد. وی در سخنرانی خود نقاط مشترک رستاخیز سیاهکل و خیزشهای سال جاری را تشریح و تحلیل کرد. در ادامه برنامه از مجاهد خلق، آقای ابوالقاسم (محسن) رضایی، معاون دبیر شورای ملی مقاومت ایران دعوت شد که سخنرانی خود را شروع کند. وی در سخنرانی خود به شرح خاطرات شنیدنی و شورانگیزی از مناسبات بین دو سازمان مجاهدین و چریکهای فدایی در زندانهای شاه از سال ۱۳۵۰ تاکنون پرداخت. پس از پایان سخنرانیها، سی دقیقه تنفس اعلام و از شرکت کنندگان با چای و قهوه پذیرایی شد.

بخش دوم برنامه با نمانگ «آواز لیلها»، اثری از هنرمندان ناشناس آغاز و پس از آن رفیق فریدون، ترانه سرودهایی از «کارگاه هنر ایران» را اجرا کرد. در ادامه، رفیق فرنگیس سروده ای از فدایی شهید مرضیه احمدی اسکویی را به زبان آذری و سپس ترجمه فارسی آن خواند.



بخش گفت و شنود با شرکت کنندگان در همایش با حضور زینت میرهاشمی و محسن رضایی شروع شد که به مدت یک ساعت با شرکت فعال حاضران در سالن و در زوم ادامه پیدا کرد.

پس از آن «دیوان» ترانه ای به نام «لالایی» در وصف شهیدان نوجوان را اجرا کرد.

آخرین بخش همایش، اجرای سرود جاویدان «انترناسیونال» بود که با پخش ویدئویی و اجرای دسته جمعی شرکت کنندگان اجرا شد.

همایش با دسته گلهای تقدیمی شورای ملی مقاومت ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و هواداران مجاهدین در آلمان آذین شده بود.

آقای محمد قربانی، یکی از دستداران سازمان، با اهدای یک تابلوی نقاشی با عنوان «ماهی سیاه کوچولو»، جلوه زیبایی دیگری به مراسم بخشید و رفیق فرنگیس باقره نیز یکی از نقاشیهای خود را به مراسم تقدیم کرد.

قابل ذکر است که از این برنامه فیلمبرداری شده و در شبکه اینترنت قابل دسترس خواهد بود. متن کامل سخنرانیها و اشعار خوانده شده در شماره آینده ماهنامه نبرد خلق انتشار خواهد یافت.

این همایش همزمان در شبکه زوم و رادیو سراسری «راه ابریشم» پخش می شد.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
دوشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۱ - ۶ فوریه ۲۰۲۳



روز شنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۱ برابر با ۴ فوریه ۲۰۲۳، مراسم بزرگداشت پنجاه و دومین سالگرد حماسه سیاهکل با شعار «دوش به دوش انقلاب؛ از جنگل تا خیابان»، در شهر کلن (آلمان) با شرکت پرشور شمار زیادی از ایرانیان آزادیخواه برگزار شد. این برنامه همزمان در رادیو «راه ابریشم» و شبکه «زوم» پوشش داشت. برنامه را رفیق کامران عالمی نژاد شروع کرد. او در سخن آغازین گفت: «خانمها و آقایان، رفقا! به شما خوش آمد می گویم.

«همایش ما در روزهایی پر از شور و امید برگزار می شود، ایران در تب و تاب انقلاب است و توده، عزم جزم کرده که طومار رژیم ج.ا را در هم ببیچد. صحنه های خیره کننده و نفس گیر رزم جوانان با مزدوران تبهکار خامنه ای، شوق راهی خلقی را تجسم می کند که در هیچ دوره ای از تاریخ خود، پیکار برای آزادی و عدالت را وانهاده و دلاورانی را به مصاف فرستاده که در راه آن بی محابا سینه به شمشیر و گلوله ساییده اند.

در جنگلهای سیاهکل برگی از این تاریخ سلحشوری و برنتابیدن بود که با خون جوان پانزده فدایی خلق نوشته شد. عاشق زندگی بودند و انسان - تو و من را - در مرکز آن شاد، رها و آسوده می خواستند. آنها به راهی سخت پا گذاشتند که می دانستند طولانی است و خود شاید هرگز مقصد را نبینند، اما یقین داشتند که پرداخت هر بهایی ارزش آن را دارد و کنون، در بن بست تیره رژیم کودتایی، زمان و زمانه گشودن در و راه افتادن رسیده.

«این اراده و پیمان، نسل به نسل با اشک و خون و عرق، مَهر شده و امروز که ما اینجا ایستاده ایم، زنان و مردان شجاع دیگری در کوچه و خیابانهای میهن، گره بر مو و آستین بالا زده اند و به سنت سرخ برنتابیدن، جان تازه ای دمیده اند. آنها نیز زندگی شان را فدای خوشبختی و آینده روشن خود و مردم شان می کنند و آنها هم آماده اند بی محابا، هزینه گران آزادی و عدالت را بپردازند تا رنج و اسارت کنون، سرانجام پایان یابد.

«خانمها و آقایان، رفقا!

«به پاس و به یاد فداکاری شهدای سیاهکل و شهدای جنبش انقلابی شهریور، به احترام هزاران اسیر در سیاهچالهای رژیم ج.ا بایستیم و یک دقیقه کف بزنییم.»

## متن سخنرانی زینت میرهاشمی

شجاعت و رشادت قیام کنندگان، همه را شگفت زده کرده است.

جنبش انقلابی با وجود شدیدترین سرکوبها همچنان ادامه دارد. این جنبش مانند هر جنبشی است و خیز دارد، شکل بروز آن تغییر می کند اما آرام نمی گیرد. به نقشه حرکتیهای کوچک و بزرگ نگاه می کنیم. از خراسان تا خوزستان، از کردستان تا بلوچستان، از آذربایجان تا لرستان، از اصفهان و شیراز تا گیلان و مازندران و از قزوین و کرج تا تهران شورش می کند. نگاه می کنیم به شهرها و روستاها و به دانشگاههای سراسر کشور و به شعارهای شبانه و شعرنویسی و بزرگداشت پرشور شهیدان.

سیاست رژیم در مورد جنبش انقلابی ادامه همان سیاستی است که از روز به قدرت رسیدن خمینی تا کنون جریان داشته است، سرکوب عریان هر حرکت آزادیخواهانه و حق طلبانه. به یاد آوریم تظاهرات پرشور زنان در اسفند ۱۳۵۷ با شعار «ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم» علیه حجاب اجباری و بینیم یکی از شعارهای قیام انقلابی کنونی را: «چه با حجاب، چه بی حجاب، میریم به سوی انقلاب». از این همانندی ها به وفور وجود دارد و حکومت هم به سرکوب ادامه می دهد.

البته فقط رژیم حاکم نیست که تلاش برای سرکوب قیام مردم می کند. بلکه افراد و جریانهای دیگری هم هستند که چه به طور آشکار و چه مودبانه با انقلاب به معنای ویران کردن نظم بردگی و ساختن نظمی نوین، به معنی سرنگونی رژیم ولایت فقیه و همه نهادهای امنیتی قضایی و نظامی آن و برقراری حاکمیت مردم، تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی و رفع همه اشکال تبعیض مذهبی، جنسیتی و ملی و تحقق شعار کار مسکن آزادی و جدایی دین از دولت و نظام آموزشی مخالفند به همین خاطر آهنگ خشونت پرهیزی می سرایند و حتی دفاع مشروع برحق را نفی می کنند و به دنبال راه حلهایی برای کنترل انقلاب هستند.

اما آنچه که جریان دارد، کشیدن خط باطل بر تئوری سازشکاران همه فصول، که می گفتند و می گویند «مبارزه مرد، زنده باد سازش» و یا به پنهان خشونت پرهیزی، سازش را پیشنهاد می دادند یا از نامه نگاری و نصیحت از دیکتاتور می خواستند رفتار مستبدانه رژیم را تغییر دهند، است. به راستی می توان گفت این جنبش آنها را شرمساز تاریخ کرده است.

اجازه دهید نگاهی کوتاه به سه نوع سیاست در برابر جنبش انقلابی داشته باشم.

اول: بودن در کنار نیروهای انقلابی و حمایت و یاری برای به ثمر رساندن جنبش انقلابی یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی با همه نهادهای حکومتی.

دوم: متوسل شدن به راه حلهایی مانند کودتا، دخالت نظامی نیروهای امپریالیستی، ساخت و پاخت با بخشهایی از حکومت، تکیه بر نهادهای سرکوبگر مانند سپاه تروریستی پاسداران و ارتش و بسیج که همگی در حفظ این رژیم نقش دارند، ایجاد مانع برای رشد انقلاب و نیروهای انقلابی و شعارهای هدفمند آن.

راه حل سوم راه حل رژیم است. مردم را دشمن می داند و با خشونت تمام این راه حل را پیش می برد و البته با شیوه های نرم افزاری آشکار و پنهان راه حل دوم را مطرح می کند.

بقیه در صفحه ۶

دموکراسی، برابری، صلح و سوسیالیسم بود و برای تحقق این آرمانهای انسانی از همه چیز خود گذشتند و جانهای شیفته خود را فدا کردند.

تولد جنبش فدایی، تصویر جدیدی از چپ، سوسیالیسم و کمونیسم را در سپهر سیاسی جامعه خفقان زده سالهای بعد از کودتای خائنه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در برابر دید همگان گذاشت. تداوم مبارزه جنبش فدایی تا انقلاب سال ۵۷، شکل گیری مبارزه مسلحانه از طرف نیروهای انقلابی دیگر مانند سازمان مجاهدین خلق ایران، بر ادبیات، هنر و تمامی نیروهای اجتماعی آن دوران تاثیر گذاشت. راه و رسم مبارزه و قدردانی از مبارزان وارد ادبیات و هنر شد. شما به آثار ادبی آن زمان



مراجعه کنید نفوذ جنبش فدایی را می توانید ببینید. همه گیری، تکثیر شجاعت و ایستادگی در برابر استبداد پهلوی از جمله رمز و راز ماندگاری رستاخیز سیهاکل است که تا امروز هیچ کسی را بی تفاوت نگذاشته است.

استقبال بیشمار مردم بعد از سرنگونی استبداد سلطنتی گواه این حقیقت است.

در مورد چرایی و تاثیرات رستاخیز سیهاکل، بستگی به آن که هر کس در کدام سمت تاریخ جنبش ضد دیکتاتوری از دوران انقلاب مشروطه تا حال، ایستاده و چه نقشی در سپهر سیاسی جامعه ایران و در جدال قدرت حاکم و مردم داشته، شرایط مشخص و ضرورت را چه دیده است، آن را رازبایی می کند.

نگاه ما که خود را ادامه دهندگان راه و رسم و آرمانهای قیام می دانیم، در بیانیه سازمان آمده است. با توجه به شرایط انقلابی روز و فرصت کم، روی چند نکته تاکید می کنم

نقاط مشترک آن دروان و این دوران و چه رشته هایی محکمی ما را به آن حماسه سازان ماندگار پیوند زده است.

آرمان آزادی و شورش علیه نظم بیدادگرانه نقطه مشترک دیروز و امروز ماست. بنابراین ما با کوله باری از تجربه و ارزشهای آفریده شده آن رویداد بزرگ به مسایل امروز می پردازیم.

آنچه که جامعه طی چند هزار جنبش اعتراضی و خیزش از جمله دی ۹۶ و آبان ۹۸ جریان داشت خود را در انقلاب ژینا به پیشتازی زنان، همه را به سطح آورد. بالندگی، آگاهمند بودن و هدفمند بودن، سراسری و گسترده بودن از جمله خصیصیات بارز جنبش انقلابی جاری در ایران است که توجه جهانی را به خود گرفته و

درود به شما که در این جا برای بزرگداشت رستاخیز سیهاکل حضور دارید و درود به شرکت کننده در شبکه زوم. سیاس فراوان از همبستگی شما و به ویژه از همرزم مجاهد آقای محسن رضایی که دعوت سازمان ما را برای سخنرانی پذیرفت. حماسه سیهاکل، آغاز همکاری و اتحاد عمل در میدان واقعی مبارزه بین دو سازمان بود. همان گونه که در بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد قیام سیهاکل آمده است: «تلاشهای مذبحخانه برای درهم شکستن اتحاد ما در شورا چه آگاهانه و از جانب نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی و چه ناآگاهانه و غرض ورزانه، نمی تواند خللی در عزم ما برای ادامه راهی که بدون تزلزل و فرصت طلبی انتخاب کرده ایم، ایجاد کند.»

درود می فرستم به شهدای سرفراز ایران زمین، از انقلاب مشروطه تا قیام حماسه سیهاکل و تا جنبش انقلابی ژینا در سال جاری، انقلابی که با پیشتازی زنان.

درود می فرستم به زندانیان سیاسی، سملهای مقاومت، آگاهی و ایستادگی. هزاران درود به قیام آفرینان و شورشگران که در این چند ماه چهره ایران را تغییر دادند. صدایشان رساتر از هر هنگام به چهار گوشه جهان رسید. درود به مادران شهدا که خون فرزندانشان را به پرچمی برای دادخواهی و ادامه راه آنان تبدیل می کنند. گرمی با نام و یاد چهار آذرخش انقلاب ۱۴۰۱، محسن شکاری، محمد مهدی گرمی، محمد حسینی و مجید رضا رهنورد. محمد حسینی در آخرین پیامش در اینستاگرام نوشت: «آموخته ام که به جنگ ناپاکها بروم، حتا در سخت ترین شرایط خواهم جنگید با تاریکی و خواهم دوید به سوی روشنایی...»

به چرایی این همایش می پردازم؛ دوش به دوش از جنگل تا خیابان!

ما امروز در این گردهمایی هستیم یا تد مبارزان ماندگار و سترگی را گرمی بداریم که در دوره خفقان سلطنت پهلوی مانند آذرخش درخشیدند. انسانهای والایی با اندیشه های کمونیستی، از تحلیل شرایط روز و با عبور از خط قرمزهای رایج در میان کمپ چهپ آن دوران، طرحی نو درافکندند. رستاخیز سیهاکل صحنه سیاسی جامعه ایران را به کلی دگرگون کرد و نام و نشان خود را بر تاریخ ایران زمین به عنوان یک نقطه عطف به ثبت رساند. تولد جنبش فدایی و چه مستقل در ایران، تولد جنبش نوین کمونیستی ایران در برابر قدرت مطلق حکومت، کشف حلقه مفقوده برای محک زدن تئوری در عمل بود. هدف رزمندگان سیهاکل آزادی، استقلال،

## متن سخنرانی زینت میرهاشمی

## یازدهمین اجلاس

## شورای عالی سازمان برگزار شد

بقیه از صفحه ۵

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از روز یکشنبه ۱۶ تا شامگاه سه شنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۱ (۴ تا ۷ فوریه ۲۰۲۳)، یازدهمین اجلاس شورای عالی خود را با حضور مسئولان، کادرها و اعضای سازمان با یک دقیقه سکوت به احترام و در بزرگداشت نام و یاد شهیدان و زندانیان جنبش پیشتاز فدایی و در گرامیداشت خاطره همه شهیدان و جانبازان راه آزادی مردم ایران آغاز کرد.

سپس دستور اجلاس که از طرف دبیرخانه سازمان پیشنهاد شده بود، به شرح زیر به تصویب رسید:

\* بحث و بررسی گزارش سیاسی سخنگوی سازمان در مورد تحولات سیاسی  
\* دریافت گزارش بخشهای مختلف تشکیلات و بررسی نقاط قوت و ضعف هر بخش  
\* انتخاب کمیته مرکزی سازمان

در نخستین بخش، سخنگوی سازمان، گزارش سیاسی که به طور عمده به شرایط انقلابی و اوضاع سیاسی جامعه و زمینه ها و دلایل انقلاب ۱۴۰۱ اختصاص یافته بود، ارائه داد.

شورای عالی سازمان پس از گفتگو و تبادل گسترده آرا، گزارش سخنگوی سازمان را به تصویب رساند.

خطوط کلی این سند در سه سال گذشته و در حدود ۳۲ سمینار ماهانه سازمان نیز مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته بود. متن این سند پیش از برگزاری اجلاس در اختیار رفقای تشکیلات قرار داشت.

در دومین بخش اجلاس شورای عالی، گزارش فعالیت نهادها و ارگانهای سازمان در فاصله دو نشست توسط مسوولان مربوطه ارائه و مورد بررسی قرار گرفت.

آخرین بند از دستور کار، انتخاب کمیته مرکزی سازمان بود. شورای عالی، اعضای کمیته مرکزی را با رای گیری مخفی و بر پایه اکثریت آرا برگزید.

نشست شورای عالی سازمان پس از سه روز کار فشرده، با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

کمیته مرکزی منتخب شورای عالی، تعیین راهکارهای عملی برای اجرای مصوبات شورای عالی را در دستور کار جلسه آینده خود گذاشت.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
چهارشنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۱ - ۸ فوریه ۲۰۲۳



سیاستی که این روزها از جانب جریانهایی که رویایشان بازگشت به گذشته و نشی قبر از دیکتاتورهای سابق است که این دقیقاً سیاستی برای مهار جنبش به زبان مردم است.

اینان وانمود کنند نیروی اجتماعی بزرگی که مدافع آزادی و برابری است و جانمایی که طی ۴۴ سال در استبداد دینی فدا شده است را بدون تاریخ درخشان، فاقد سنت انقلابی و تهی از اندیشه های پیشرو جلوه دهند.

آنها تلاش می کنند روایی رهایی از دیکتاتوری و رسیدن به آزادی را به کنار رفتن چند راس از ملاحای عمامه دار محدود کنند. اما تردیدی نیست که جامعه به عقب بر نمی گیرد و همانگونه که «بازگشت به عصر طلایی امام» توهمی بیش نیست، بازگشت به دوران سلطنت شاه هم توهمی بیش نخواهد بود.

شعرهای انقلاب ۱۴۰۱ دقیقاً مشخص و واضح است که مبارزه برای رهایی از هر نوع بندگی چه تاج باشد و چه عمامه را می خواهند.

استبداد دینی ولایت فقیه با رهبری خمینی میوه دیکتاتوری سلطنتی و بند و بست قدرتهای استعماری با خمینی است. همه کسانی که این میوه فاسد را به حساب نیروهای چپ و انقلابی و به ویژه به حساب فدایی ها و مجاهدین می گذارند، اگر مغرض و یا کارگزار نهادهای امنیتی رژیم و یا سرویسهای بیگانه نباشند، در خوشبینانه ترین ارزیابی افراد ناآگاهانی هستند که تاریخ را به میل خود تفسیر و تحلیل می کنند.

## به ارتباط چنگل و خیابان بپردازم.

شکوفایی مبارزه طی ۴۴ سال علیه رژیم در انقلاب ژینا، نشان داد که رفقایی که در جنگل مبارزه مسلحانه را آغاز کردند و همه مبارزینی که علیه دیکتاتوری محمد رضا شاه جان فدا کردند، آخرین شقایق جنگل خونین مبارزه علیه استبداد نبودند و راه آنان ادامه دارد. آفتابکاران جنگل در قیامهای پر شکوه مردمی، بازتولید و تکثیر شده است. بازتولید مقاومت در مبارزه و شورش علیه بی عدالتی، تبعیض، استثمار، بردگی، استبداد دینی و در یک کلام مقاومت علیه وضع موجود خود را نشان می دهد. رویای رهایی از بردگی، بندگی و سرنگونی استبداد دینی، همچون خون در قلب جامعه جاری است و تپش آن، دنیا را تکان داده است.

دانشجویان، دانش آموزان و جوانان شورش و مردم قیام آفرین هر روز طرحی نو در می اندازند و رژیم دنبال شورشگران برای مهار قیام و انقلاب است. به این معنا که مردم برای خواست مشخصی که همانا سرنگونی رژیم است جانهای شان را فدا می کنند و رژیم برای دفاع از امنیت خودش سرکوب می کند.

## ما چه می گوئیم

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به عنوان یک سازمان کمونیستی، همچنان به مبارزه تا رسیدن به آزادی و سوسیالیسم ادامه می دهد. در شرایط کنونی خواست اولیه و مقدم مردم ایران که همه شیفتگان آزادی در راه آن پیکار می کنند، سرنگونی رژیم حاکم با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن و به سرانجام رساندن انقلاب دمکراتیک نوین ایران است. این خواست کانون ستیز (تضاد عمده) و گرانگاه تحول جامعه ایران برای رهایی را تعریف می کند.

از این رو ما «قیام همگانی و استفاده از تمامی اشکال مبارزه را حق مسلم مردم ایران می شماریم. سازمان ما ایجاد هسته های مخفی مقاومت، تشکیل هسته های کوچک رسانه ای و خبر رسانی، ایجاد کمیته های مخفی عمل و شوراهای هماهنگی، سازمانیابی برای نافرمانی مدنی و... را راهکارهای ایجاد بی شمار کانونهای شورش می داند. این راهکارها اشکال مناسب و عملی برای هماهنگی مبارزه کارگران، معلمان، کارمندان، مزدبگیران، پرستاران، دانش آموزان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، فرهنگیان و هنرمندان است و ما به سهم و توانایی خود در این مسیر تلاش می کنیم.» (گزارش سیاسی، مصوب نهمین شورای عالی سازمان، سه شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۵/۷ فوریه ۲۰۱۷)

در سراسر فلات آفتاب و باد، «زنگ انقلاب» به صدا در آمده، «توفان شکوفه» داده و «آفتابکاران جنگل» ماندگار و تکثیر شده است.

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»  
«زنده باد انقلاب دمکراتیک نوین مردم ایران»

## متن سخنان ابوالقاسم (محسن) رضایی در مراسم پنجاه و دومین سالگرد حماسه سیاهکل

اشان را از رادیو شنیده بودم در این قسمت هستند. شهید محمدحنیف نژاد و رسول مشکین فام در ۵ تا سلول طرف دیگر هستند. همچنین برادرمان مهدی ابریشمچی و مسعود احمد زاده، هم سلول و در این قسمت هستند.

بعد از یک ماه از سلول به عمومی می رویم، فداییها را در یک عمومی و مجاهدین را هم در یک عمومی.

قبلش تعدادی از مجاهدین و فداییها در اطاقهای عمومی یا سلولها با هم بودند و تا اندازه ای نسبت به همدیگر، شناخت پیدا کرده و مناسبات نزدیکی هم بین آنها برقرار شده بود.

در عمومی خاطرات زیادی از رفقای فدایی هست، زمانی که هنوز با رضا در سلول بودم، از جاسازی لباسش تکه کاغذی درآورد حاوی یک شعر طولانی و گفت از فرصت استفاده کن و آن را حفظ کن. شعر در توصیف اعدام انقلابی ویتنامی وان تروی است که به تازگی اعدام شده بود و فدایی شهید علیرضا نابدل، شعری که برای او سروده بودند را به فارسی برگردانده بود و چه زیبا و پر مفهوم!

شعری که اینطور شروع می شد:  
لحظاتی هستند که دوران سازند  
کلماتی که دل انگیز تر از آوازند  
مردهایی که تو گویی آنان  
از دل پاک حقیقت زادند

اواخر سال ۱۳۵۰ دادگاه فداییها و سپس اعدام آنها در اسفند ماه شروع می شود، خبر اعدام عباس و اسدالله مفتاحی و مسعود و مجید احمد زاده به دستمان می رسد. همه ما غمگین و برافروخته هستیم، برادرمان مهدی ابریشمچی که مدتی با مسعود احمد زاده بود از اعدام او به شدت بهم ریخته است و می گوید با کشتن مسعود یکی از متفکرین انقلابی را شاه از ما گرفت، از او می خواهیم برآیم از مسعود احمد زاده که مدتی با او بود بگویند.

او می گوید: از شناسها و افتخارات زندگی مبارزاتی من این است که برای مدتی هم سلول مسعود احمد زاده، بودم. یک انقلابی کبیر و مسؤل در سطح رهبری باندیشه های باز و متفکری انقلابی که به روشنی می دانست چه می خواهد و برای آن چه کرده و چه باید بکند. او البته از سازمان ما و وجودش مطلع بود و وقتی متوجه شد که من عضوی از سازمان هستم، بلا فاصله بامن طوری تنظیم کرد که گویی یکی از اعضای سازمان خودش هستم. البته من آن روز یک عضو ساده سازمان بودم و او یک رهبر و بنیانگذار. اگر در یک کلام بخواهم از سطح انقلابی او بگویم همین بس که انگار او یک مسؤل و من عضوی از سازمان هستم. من در شروع بازجوییها بودم و او در پایان بازجوییهایش. ولی بلا فاصله وقتی دید مرا برای بازجویی می برند، پرسید از تو چه می خواهند من گفتم احمد رضائی را می خواهند. وی گفت هرکاری من می توانم بگو بکنم که بتوانی قرارها را بسوزانی و از هیچ راهنمایی دریغ نکرد. تمام تجاربش را سعی می کرد برای گذر از مرحله بازجویی به من منتقل کند. احساس می کردم مطلقاً برایش در نبرد با ساواک و شاه فرقی نمی کند و این سازمان و آن سازمان نداشت.

مسعود خطی بسیار زیبا داشت با انتها قاشق روی دیوار کنده بود:

آن که می گفت حرکت مرد در این وادی خاموش سیاه برود شرم کند...

روزی رفیق مسعود را برای ملاقات با خانواده بردند وقتی برگشت برایم تعریف کرد که برادرش مجید که او را هم به ملاقات خانواده آورده بودند تا وقتی به ۵ متری مسعود برسد او را نشناخته بود چون مسعود قهرمان در نتیجه شکنجه های وحشیانه و آثار آن حتی برای برادرش قابل شناخته شدن نبود.

وقتی این روزها و بعد از ۵۰ سال، اوپاش ساواکی، شاهنشاهی، کلماتی مانند آزادی را با دهانهای کتیف شان ملوث و آلوده می کنند در حالی که دستهای شان به خون ناصردادق ها و مسعود احمدزاده ها آغشته است و فریادهای شان فقط رکیک ترین فحشها و تهدیدها را تداعی می کند، هزار بار به آنها و آخوندها که ولیعهدهای واقعی شاه و ساواک هستند، لعنت می فرستم.

برادرمان مهدی ابریشمچی گفت، یک بار از مسعود احمد زاده پرسیدم، حکمت نوشتن جزوه «در تئوری بقا» چیست؟ گفت وقتی ما سازمانمان را تأسیس کردیم و شروع به عضو گیری کردیم، دیدیم حزب توده با اندیشه خائنه اش یک مارکسیست انقلابی باقی نگذاشته و چون توده ایها با تئوریه کردن بقای حزب پیشواز طبقه کارگر به هر قیمت، تن به خیانت می دادند، ما متقابلاً دیدیم فقط کسانی را می توانیم عضو گیری کنیم که از این اپورتونیسیم پاک شوند و آغاز نبرد مسلحانه را ولو به قیمت نابودی سازمان پیشواز، یعنی فدائیان، انتخاب کنند یعنی برای شان نبرد مسلحانه تا این حد راهگشا، حیاتی و استراتژی منحصر به فرد باشد.

درد بر او و یادش که البته جاودانه است.



آن که می گفت حرکت مرد در این وادی خاموش و سیاه، برود شرم کند!

مویه کن بحر خزر  
گریه کن دشت کویر  
پیرهن چاک بده  
جنگل سرخ گیلان  
قلب خود را پدر ای  
قله سر سخت البرز  
پانزده مرد دلیر  
پانزده جان به کف  
دست در آوردگه رزم عظیم  
پانزده حیدر رزمنده پاک  
پانزده روزبه گرد دلیر  
خونشان رنگ خروش  
خونشان جلوه دلهای امید  
خونشان خون بهم بیخته خلق دلیر  
ریخت از پنجه ضحاک زمان  
بر سر خاک

در اسفند سال ۱۳۴۹ هنگامی که برای کوهنوردی هفتگی به سمت پناهگاه شیر پلا می رفتم تکه کاغذی که سنگی رویش گذاشته بودند توجهم را جلب کرد. آن را یواشکی برداشتم، نوشته بود: آن که می گفت حرکت مرد در این وادی خاموش سیاه برود شرم کند.

صلابت، انقلابیگری، استحکام و آموزش نهفته در این شعر که به دنبال حادثه سیاهکل سروده شده بود، در آن برف و سرما به من گرمی می بخشید.

به قول انقلابی الجزایری عمار ازگان، در آسمان بی ابر میهن ما صاعقه ای زده شده بود، حادثه سیاهکل تکانی به جامعه ساکن ما داده بود و بقول برادرمان مسعودرجوی در کتاب استراتژی قیام و سرنگونی، تهاجم متهورانه و انقلابی چریکها در آن شرایط، فضای سازش و انفعال و بی عملی را در بین روشنفکران آن زمان درهم شکست وصف پیشاتازان و انقلابیون را از فرصت طلبان و سازشکاران توده ای جدا کرد.

در فروردین سال ۱۳۵۰ روزنامه های حکومتی و دولتی اسامی و عکسهای ۹ نفر را تحت عنوان خرابکار اعلام کردند که برای دستگیری آنها جایزه تعیین شده بود: امیر پرویز پویان، عباس مفتاحی، اسکندر صادقی نژاد، جواد سلاخی، منوچهر بهایی پور، رحمت الله پیرو نذیری. محمد صفاری آشتیانی، احمد زبیرم و حمید اشرف.

این عکسها برای من که تازه یک سال بود در مناسبات تشکیلاتی مجاهدین قرار گرفته بودم و با کنجکاوی این حادثه را دنبال می کردم، سملهای شرف یک خلق بودند و اسامی و تصاویرشان در ذهنم نقش بست.

در درون سازمان، مقاله تحلیلی زیبایی، با ستایش از قهرمانان سیاهکل به ما دادند که مضمونش این بود که: پیروزی در این مسیر به آسانی به دست نمی آید، سرنگونی و درهم کوبیده شدن ستمگران روزگار، بعد از مهلت کوتاهی است که به آنها داده می شود، کما این که متقابلاً برافراشته شدن قامت درهم شکسته خلقها، بی تردید در پی سختیها و آزمایشات سنگین امکان پذیر می شود.

۹ ماه بعد یعنی در آذرماه ۱۳۵۰ در سلولهای وسطی اوین قدیم با برادرم رضا و ناصر صادق نشستیم و رضا نقرات سلولهای دیگر را به ما معرفی می کند. سلول کناریمان مجید احمدزاده است که ناصردادق مستمرا با مورس با او در ارتباط است. روبرو شکرالله پاکنژاد، دست راست آن عباس مفتاحی و برادرش اسدالله، سعید محسن، علی باکری، محمد بازگانی، علی میهن دوست و همه کسانی که قبل از دستگیری اسامی

## متن سخنان ابوالقاسم (محسن) رضایی در مراسم پنجاه و دومین سالگرد حماسه

بقیه از صفحه ۷

من در سال ۱۳۵۲ به زندان قصر منتقل شدم. همان روز اول در تشکیلات مجاهدین در زندان شماره چهار قصر سازماندهی شدم، یکی از کارهایم هماهنگی امور زندان با سایر سازمانها و گروهها بود منجمله مناسبات نزدیکی با رفقای فدایی داشتم. در همین دوران با فداییان شهید بیژن جزنی، مشعوف کلانتری، حسن ضیاء ظریفی، عباس سورکی، محمد چوپانزاده، عزیز سمدی، احمد جلیل افشار آشنا شدم. شش ماه با فدایی شهید عزیز سمدی که از مظاهر اخلاق انقلابی بود در یک اطاق بودیم. رفقای که خون شان با شهدای مجاهد کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل در هم آمیخت و اتحاد بین فداییها و مجاهدین را در میدان اعدام و تیرباران هم مهر کرد. این مسئولیت را در تمام مدت زندان داشتم و حتی وقتی آزاد شدم و به خصوص بعد از سرنگونی و در بیرون از زندان هم ادامه یافت.

اپورتونیسیم و خیانت که در زمان شاه بر سر ما آمد، متأسفانه در دوران خمینی دامنگیر رفقای فدایی شد،

در سال ۱۳۵۹ رابط سازمان فداییها به من گفتم که ما پلنومی داشتیم که می خواهیم نتایج آنرا به مجاهدین منتقل کنیم و خواست نشست ترتیب دهیم که حتما برادرمان مسعود رجوی باشد. این نشست برگزار شد و سردمدار اصلی اکثریت و دو نفر دیگر گزارش پلنوم را به هیأت ما دادند.

مسعود بلافاصله در همان نشست موضع گیری کرد و گفت با توجه به نکاتی که گفتید، راهی که می روید خلاف راه احمد زاده و پویان و جزنی است، من با هر سه نفر مدتها بوده ام و خوب افکار آنها را می دانم. با نکاتی که شما گفتید شما به نظر ما دیگر فدایی نیستید و فقط بگویید کی اسمتان را عوض می کنید؟ ضمناً اگر ما متوجه شویم با مخالفین این خط، برخورد غیر دموکراتیک می کنید حتما افشا یتان می کنیم.

ما در تجربه ضربه اپورتونستی همین مساله نام سازمان را با اپورتونستیهای چپ نما داشتیم که با سوء استفاده از اسم و اعتبار مجاهدین می خواستند خطوط انحرافی خود را پیش ببرند چیزی که تماماً به سود ساواک و شاه و بعد هم به سود خمینی تمام شد و هنوز هم دارند از آن ماجرای خائنه علیه جنبش مقاومت تغذیه می کنند.

بعد از این ملاقات، من موضوع را دنبال کردم و در تماس با فدایی شهید محسن مدیر شانه چی که در اوین یک سال باهم در یک اطاق بودم و منش و رفتار انقلابی او باعث یک دوستی عمیق بین ما شده بودم، جریان انشعاب اقلیت و اکثریت را فهمیدم.

بعد از آن مناسبات ما با اقلیت ادامه یافت و پایدارترین رابطه را با چریکهای فدایی خلق با مسئولیت رفیق بیژن (مهدی سامع) داشتیم، که در شرایط مخفی بعد از ۳۰ خرداد در تهران برقرار بود و بعد از تشکیل شورا در سال ۱۳۶۰ در خارج ادامه یافت و روز به روز روابط با رفیق سامع که از زندانهای شاه شروع شده بود، بعد از سرنگونی شاه ادامه یافت. در سنگر شورا یکی از مستحکمترین مناسبات بین مجاهدین و سازمان فداییها بود و این نزدیکی باعث حل و فصل بسیاری از مسائل شورا بوده و هست. ایستادگی و وفاداری به خط مشی قهرآمیز برای سرنگونی رژیم ضدبشری آخوندی و مرز بندی با شاه و شیخ، روز به روز بر استحکام این مناسبات افزوده است. امروز مناسبات بین دوسازمان نمونه موفق از اتحاد و مناسبات بین دو جریان با دو تفکر مختلف است. دو جریانی که بنیانگذاران و رهبرانش مناسبات نزدیکی چه قبل از سرنگونی شاه و چه بعد از آن داشتند

برادرمان مسعود در کتاب استراتژی قیام و سرنگونی می نویسد: از سال ۴۲ و ۴۳ با شهدای بزرگ فدایی، مسعود احمدزاده و امیر پرویز پویان آشنا شده بودم و تقریباً همدوره بودیم. پویان در دبیرستان فیوضات تحصیل می کرد که دیوار به دیوار دبیرستان ما (دبیرستان شاهرضا) بود. بعدها مسعود احمدزاده و پویان قهرمانان خلق و پرچمداران پیشواز سازمان چریکهای فدایی شدند.

دوستی ما تا اواخر سال ۱۳۴۸ در زمان دانشجویی در دانشگاه تهران ادامه یافت. ساعتها قدم می زدیم و بحث و گفتگو می کردیم و گاهی هم بحث را در چایخانه دانشکده علوم ادامه می دادیم. فدایی بزرگ مسعود احمدزاده، دانشجوی ریاضی در دانشکده علوم بود. بعد از سال ۴۸ دیگر یکدیگر را ندیدیم. به نظر اشتغالات طرفین در سازمانهای شان فرصتی برای اینکار باقی نمی گذاشت. آخرین بار مسعود احمدزاده را در اواخر سال ۱۳۵۰ در مینی بوسی دیدم که مشترکاً ما و او را از سوله‌های اوین با دستهای بسته به دادرسی ارتش برای محاکمه می برد. دیدم که همچنان فکور و سرفراز در ردیف اول نشسته و در محاصره ماموران ساواک فقط می توانستیم با نگاه و تکان دادن سر با هم صحبت کنیم...

برادر مسعود هیچگاه از یادآوری دوستان و رفقای انقلابی و هم بندش در پیامها و مصاحبه هایش غافل نبوده و در بسیاری از سالکردهای انقلاب یاد آنها را گرمی داشته است. در موزه شهدا در اشرف سه، عکسهای احمد زاده و پویان و جزنی و شکرالله پاکنژاد جای و جایگاه مخصوص خود را همیشه داشته است.

رفقا و دوستان عزیز

سرکوب خونین بعد از ۳۰ خرداد توسط ارتجاع جنایتکار حاکم از هر دو سازمان مجاهدین و فداییها قربانیان بیشمار می گیرد. از قضا در بهمن ماه سال ۱۳۶۰ یعنی یازده سال بعد از حماسه سیاهکل و درست در همین روز (۱۹ بهمن)، خون اشرف و موسی بالاترین حماسه مجاهدین را خلق می کند

چه با معنا، دو حماسه از دوسازمان پیشواز مبارزه مسلحانه یکی در زمان شاه یکی در زمان شیخ درست در یک روز.

خمینی جانی که خون اشرف و موسی را به زمین می ریزد همان است که به قول برادرمان مسعود در منتهی فرومایگی، قیام سیاهکل را به استعمار نسبت داد و خطاب به انجمنهای اسلامی خارج کشور نوشت «از حادثه آفرینی استعمار در کشورهای اسلامی نظیر حادثه سیاهکل و حوادث ترکیه فریب نخورید و اغفال نشوید.»

رابطه این دو جریان در شکل حضور در یک شورا که تنها آلترناتیو دموکراتیک - انقلابی در برابر رژیم آخوندی هستند ادامه می یابد، این شورا دستاوردهای مهمی برای جنبش آزادیخواهان مردم ایران ارائه می کند. طرحها و مصوبات این شورا، هرکدامش ارزشهایی ماندگار در جنبشهای آزادیبخش خلقهاست. چرا که حاوی دموکراتیک ترین روشها برای اداره یک کشور است.

نتیجه نهایی:

دو جریانی که از درون زندانهای شاه و شیخ و شکنجه گاههای آن، با هم پیوند خوردند حالا با جمع دیگری، با وفاداری به پرپایی حکومتی عاری از شاه و شیخ، درون شورایی هستند که یگانه آلترناتیو رژیم ارتجاعی آخوندی است. این شورا همواره دست اتحاد به سمت هر کسی که فقط سه تا اصل را قبول داشته باشد دراز می کند:

سرنگونی

جمهوری

جدایی دین از دولت

این را از ۲۰ سال پیش اعلام کرده است

آیا اینها خیلی زیاده خواهی است

آیا تحمیل به کسی است؟

رفقای عزیز

قیام قهرمانانه مردم ایران ۵ ماه است ادامه دارد. شعارهای این قیام و مرزبندی قاطع قیام کنندگان با شیخ و شاه، نشان می دهد که هیچ قطره ای از خونهای بناحق ریخته فداییها و مجاهدین چه زمان شاه و چه زمان شیخ، هدر نرفته و درخت تناور آزادیخواهی را بارورتر کرده است.

روند پنج ماهه این قیام دستاوردهای گرانبهایی برای جنبش انقلابی داشته است که من فقط روی دو محور مهم آن انگشت می گذارم:

اول- آزاد شدن نیروهای انقلابی که برای سرنگونی تمامیت رژیم عزم جزم دارند در جوانان دهه هشتادی، آنها با الهام از رزم انقلابی کانونهای شورشی در خیابان، در دانشگاه، و در زندان و حتی درپای چوبه دار همان رویکردی انقلابی را نشان دادند که سیاهکل و پیشتازان فدایی و مجاهد در نبرد مسلحانه انقلابی به خاطرش جان باختند و پرچمش را باخون شان برافراشتند...

دوم- تعمیق مرزبندیها و تثبیت و فراگیر شدن شعار نه شیخ نه شاه، مرگ برستمگر چه شاه باشه چه رهبر که از شهرهای سراسر ایران، از بلوچستان تا خوزستان، از خراسان تا کردستان و از سواحل خزر تا خلیج فارس در شعارهای قیام شاهدش بودیم و همین روند فضای خارج کشور را هم متحول کرد و بی مرزی و سازش در برابر پس مانده های شاه و شیخ را افشا و منزوی کرد.

این دستاوردها هم عزم و ایمان ما و هم تعهد و مسئولیت ما را در ادامه راهمان دو چندان می کند.

این قیام تا آزادی قطعی مردم ایران سر باز ایستادن ندارد. فرهنگ سرخم قذغن فرهنگ غالب آن است.

بنابراین امیدوارم روزی برسد که قسمت پایانی شعری که برای قهرمانان سیاهکل سروده شده بود و من سخنانم را با آن شروع کردم، مصداق عینی پیدا کند و بتوانیم بگوییم:

باد ای باد سحر

بوی خون شهدا را

برسان تا به جنوب

یکشان تا به شمال

بشکند بر لب خشکیده دهقان بلوچ، گل لبخند امید

مرحبا خیزانند، از دل مرد عرب

به طیش وا دارد

قلب آزاده کرد

.....

خنده زن بحر خزر

خنده زن دشت کویر

خلق بر می خیزد

خلق بر می خیزد



**شولایش را تکانی داد، بهار چکید قطره قطره  
فتح الله کیائیا**

برای رفیق سعید سلطانیور و با یادی از فروغ، نیما، شاملو



روزی آن خواهر دلتنگ  
گفته بود

که خواب دیده است:

**خواب دیده است که  
کسی می آید  
کسی که مثل هیچکس  
نیست**

گفته بود خواب یک ستاره ی

قرمز دیده است

**و کور شود اگر دروغ بگوید  
او: خواب آن ستاره ی قرمز را  
وقتی که خواب نبود**

دیده بود و

پدر عینک دسته صدفی اش را

که از مشهدی غلام

به یک و نیم قرانی خریده بود

بر چشمهای خسته ی کم سو نهاده و گفته بود:

**نیست یک دم نسکند خواب به چشم کس و لیک**

**غم این خفته ی چند**

**خواب در چشم ترم می نسکند**

**نگران با من استاده سحر**

**صبح می خواهد از من**

**کز مبارک دم او اورم این قوم به جان باخته را  
بلکه خبر.**

اینک او آمده بود .

بنشسته بر کجاوه ی شعر

و سرود خوان اقاقی ها

محکم و استوار

از درون شب تار گذشت

و در تردید زمستان

شولایش را تکانی داد

بهار چکید قطره قطره

و گل مینای جوان را

با شبنم ستاره ها

نوازش کرد.

وستاره های جوان

ساقه در ساقه

بر گذر گاه زمان

ریشه دواندند.

آنچه بر میهنش رفته بود

را

شعر خواند

و سرود و ترانه

و شب را در بستر رود

ستاره باران کرد.

مرداد گرانش را

خشمی در سینه پروراند

تا ققنوس های جوان

فریاد برکشند:

**چون فدایی با خشم و خون به پیش  
از دل آهن و دود و شخم و خویش**

تا خیزشی این چنین

مداوم و پرشور

شب را در آئینه روز

بشکند

و گامهای کوبنده ی سرنگونی

سنگفرش سرد خیابان را

با طنین گرم خویش بیاراید.

این خشم خفته در

خاکستر تابستان است

که گل می دهد

و مزده می دهد

که زمستان شکستی است.

و بهاران

اندوه از خویش می راند

امید را می خواند

و شاخه گلی غریب

در گلستان خاوران می روید.

شاخه گلی که اندوه

خواهر را

**«گفتم که بانگ هستی خود باشم**

**اما دریغ و درد**

**که زن بودم»**

می شوید.

و پدر راکه

با هر هجای ساکت یک درد خوانده بود

**من چهره ام گرفته**

**من قایم نشسته به خشکی**

**با قایم نشسته به خشکی**

**فریاد می زنم:**

**وامانده در عذابم انداخته است**

**در راه پر مخافت این ساحل خراب**

**و فاصله**

**است آب**

**امدادی ای رفیقان با من.**

لیخند بر لبان می نشاند

تا از پشت عینک اندوه به بیند که :

رفیقان آمده اند

از کوره راه جنگل خونین

با شعر و ترانه و عصیان

یکدستان تفنگ

یکدستان کتاب

و می خوانند بر ساحل

شکسته ز اندوه

ما عاشقان دل از دست داده ایم

و ینک به بین سعید:

خیابان پر از ترانه است.

یک خاوران بنفشه

یک کوهسار

قله ی سر سخت

یک کاروان

سرشار عشق

امید و لیخند.

اینک به بین سعید:

در میهنت چگونه

آنکه باد کاشت

طوفان برداشت می کند.

باور کن سعید

که من

عشق را

در لایه لایه های خیابان

شناختم.

در شعر تو

در خشم تو

و نمایش آن کارگر ساده

«عباس آقا را می گویم»

کارگر ایران ناسیونال.

«هر دو چشمم

کور شود اگر دروغ بگویم»

که عشق را در لیخند پاک کیان

یافتم

وقتی

خدای رنگین کمان را

با خون خویش

فرا می خواند.

توضیح: روزگار کودکی اثری از رفیق مرضیه احمدی اسکویی به زبان فارسی و ترکی در همایش ۱۹ بهمن توسط رفیق فرنگیس بایقره اجرا شد



## روزگار کودکی ام

مرضیه احمدی اسکویی

اوشاقلیق، عالمی، ایدی، اوره بیم ایشیق ایدی کچیجک، تمیز دونیاما، اویون یاراشیق ایدی یولداشلاریم دؤورومده، هامی سی شاد، کینه سیز بیر آن، کوسو اولسایدی، کینه یاراشیق ایدی قارانلیق قورخمالی ایدی، امما اوندان قاجمزدیق گنجه لر ناغیللاردا، شیرین، تمیز محبت بیزی یاریشدیراردی، دئمک اونا گؤره ده کؤنلوموزون قایسین، کینه لره آچمزدیق ائله بیل گؤزلریمیز، گنجه لر ده گؤروردو اولدوزلار، آی گونش، تک، بیزه ایشیق وئر ردی بیر بئله ایشیقینان، گؤیه بولوت گلسه یدی گنجه ری کیجیک بولوت، کونون اوستون آلسایدی بیلردیک گون چیخاق، بولوت دا قالماچاق گنجه ده دسته له شیب، دؤزمه ییب باغیراردیق گونش، نغمه لر له، قوناغا چاغیراردیق گونوم گندیب سو ایشیقین، ائی دونون دیشینسن" گونوم! چیخ، چیخ!"

آیلار، ایللر دولاندی زامان ناققا بالیق تک، اوشاقلیقیمی اوتدو گنجه ری غملمیمین، کچیجک سئوینچلریمین یئرین بویوک کدرلر، گنجمز کینه لر توتدو گونش بیزیم مملکتدن اوغورلاندی، توتولدو ایستی، ایشیق چشمه سی، یک قورودو، قورتولدو ایندی ایللر، بری، گنجه لریم، آیسیز گوندوزلریمی گونسوز، باشا چیخاردیرام من سوویوق، نیفرت، آلدانمیش یوردوموزو بورویوب شادلیغین، سعادتین، کؤکو دیدن، قورویوب هنج زاد قارانلیق کیمی، منیم کؤنلومو سیخمیر او دؤزمز اوشاقلیقیم، بیر آن، یادیمان، چیخمیر ایندی نتجه تابلاشیم بیر بئله قارانلیقا؟

داها دوشونوره م کی گونش تکجه بوردان یوخ آیری اولکه لردن، ده، یامانجا اوغورلانیب بونو دا دوشونوره م، گونش لرین دوستاغین، اوشاقلیقدا اوخویان نغمه لر بیخا بیلیمز او قارا دوستاقلاردا، یالقیز سس، چیخا بیلیمز آتا بابا سؤیله یز، دیمیر چاریق کؤهنه لیب ایندی بو چتین یولدا دیمیر ایاق لازیمدیر دیمیر عصا آتیلیب، ناغیللارا قاتیلیب ایندی دیمردن، توفنگ، حدسیز و حئسابسیز فیشنگ خالقین سؤنمز عشقیندن، بوردا دایاق لازیمدیر هر کس، گونش، سئوسه، بوتون سئوکی سبب، آتار یورولوب یولدا قالماز، اوزون ده یادا سالماز اوزاق داغلار دالیندن، گنده ر گونشی تاپار ایندی سوروشمالی یام، من گونش، سئویره م؟ من گونش، سئویره م!

پائیز ۱۳۵۱  
(دالغا)

## روزگار کودکی ام

مرضیه احمدی اسکویی

روزگار کودکی ام را به یاد می آورم که دلم از روشنایی سرشار بود هنگامی، را که دنیای کوچک و نیالوده ام از بازی آذین می یافت رفقایم همه شاد و بی، کینه بودند یک آن هم اگر قهر می کردم، به دنبال اش، آشتی، فرا می رسید

تاریکی، ترسناک بود، اما از آن، نمی، گریختیم زیرا که شبها، محبتهای یک و شیرین، قصه ها، ما را آشتی می داد؛ کوئی به پاس همین هم بود که



دریچه دلهايمان را به روی کینه ها نمی گشودیم گوئی، چشمان، مان، شبها هم توان، دیدن، داشت ماه و ستارگان، به ساز، خورشید به ما روشنائی، می، دادند با وجود این همه روشنائی، اگر ابری آسمان را فرا می گرفت

و ابر گذرای کوچک روی خورشید را می، پوشاند می دانستیم که خورشید سرانجام از زیر ابرها درمی آید اما یا ناشکویی، به گروه فریاد می، زدیم خورشید را با نغمه به مهمانی، می، خواندیم: "آفتابم رفته آب بخوره، پیراهن آبی شو عوض کنه" "آفتاب ام درآ، درآ!"

ماهها و سالها گذشتند

زمان چون نهنگی کودکی ام را بلعید و جای غم های گذرا و شادی های کوچک ام را غم های بزرگ و کینه های پایدار فراگرفت خورشید سرزمین ما به بغما رفت چشمه روشنائی، و گرما به یک باره خشکید مرا بی مهتاب

و روزهایم را بی آفتاب سرمی کنم سرما، نفرت، فریب، سرزمین، ما را فراگرفته است سعادت و شادی از بیخ و بن خشکیده است دل من از هیچ چیز به اندازه تاریکی نمی گیرد کودکی، بی، شکیم را لحظه ای از یاد نمی برم اینک، این همه تاریکی را چگونه شکبیا شوم؟ زیرا درمی یابم که خورشید نه تنها از این سرزمین، از سرزمینهای دیگر نیز، به ناروائی، دزدیده شده و این را نیز درمی یابم که دیگر اسارت گاه خورشیدها را

نغمه هائی، که در ایام کودکی، می، خواندیم، قادر نیست فروریزد

و به آن زندانهای تاریک، صدا به تنهائی نمی رسد کفشهای آهنینی، که یدران، مان، در قصه ها می، گفتند،

دیگر فرسوده شده اینک، در این راه دشوار، پای آهنین را نیاز هست عصای آهنین، نیز، به افسانه ها بیوسته است اینک، تفنگ آهنین و فشنگ فراوان را نیاز مندیم که پشتوانه اش، عشق خموشی ناپذیر توده ها باشد هر آن، که دوست دار خورشید باشد، همه عشقهای اش را رها می کند

از خستگي، در راه گیر نمی، ماند، "خود"ش، را از یاد برده در فراسوی کوه های بلند، خورشید را می، یابد

اینک پرسشی است: آیا من خورشید را دوست می دارم؟ من، خورشید را دوست می، دارم!

پائیز ۱۳۵۱

## آن که می گفت:

«حرکت مرد در این وادی خاموش و سیاه، برود شرم کند!»

م. وحیدی (م. صبح)

آن که می گفت: «حرکت مرد در این وادی خاموش و سیاه، برود شرم کند!»

پرتو افکنده کنون خورشید رهایی

می رود تاریکی

می آید صبح

خلق بر می خیزد

خلق بر می خیزد

## سلام بر سیاهکل

در پنجاه و دومین سالگرد حماسه سیاهکل یاد رفقای دلیرمان را گرامی می داریم و با آنان تا پیروزی نهایی واستقرار آزادی، عدالت و برابری عهد می بندیم. آنان که با خیزش قهرمانانه خود جامعه را متحول و در مسیر آزادی قرار دادند و در حافظه خلق و تاریخ ماندگار شدند.

نام سیاهکل مترادف با بن بست شکنی، جانبازی، شجاعت و امید و نماد و شاخص تسلیم ناپذیری و عصیان علیه استبداد افسار گسیخته شاهنشاهی بود و نام فدایی را در تاریخ و در قلوب مردم ایران تثبیت و جاودانه کرد. آنها که نوید بخش پیروزی نهایی بودند و رسالت ما را خاطر نشان ساختند.

سیاهکل تاثیر درخشانی در تعمیق مبارزه انقلابی گذاشت؛ صف بندیها را مشخص و وظایف هر فرد و جریان انقلابی را پیش پای او گذاشت. در این گردهمایی باشکوه که برگزار شد، پیام ما به دشمن ترین دشمنان مردم و خونریزترین حاکمان تاریخ ایران، یعنی رژیم پوسیده آخوندی این است که ما صدها بار قوی تر و اثر گذارتر از پیش به میدان آمده ایم تابساط ظلم و جهل و جنایت و چپاول و دجالیت شما را جمع و از صفحه تاریخ محو کنیم. بی تردید نسل پیاخاسته و آگاه و انقلابی و دلاوران «کانون های شورشی» این فرزندان راستین ستارخان و کوچک خان، با تاسی از راهبران جنگاور خود و با الهام از رستاخیز سیاهکل، آخرین ضربه را بر پیکر لرزانت فرود خواهند آورد و ایران را آزاد خواهند نمود.

سلام بر سیاهکل

سلام بر آزادی

زنده باد خلق ستمدیده ایران

ما پیروز می شویم

بهمن ۱۴۰۱

م.وحیدی (م.صبح)



## گزارش سیاسی سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به یازدهمین همین اجلاس شورای عالی



یازدهمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، -از این پس «سپخفا»- در شرایطی برگزار می شود که جامعه ایران در حال انجام یک انقلاب بی سابقه بر دوش جوانان و با پیشتازی زنان است.

انقلابی که از نظر عمق و وسعت در تاریخ ایران و خاورمیانه بی سابقه است. پروسه انقلابی که در پی قتل حکومتی زنده یاد مهسا (ژینا) امینی آغاز شد، با شکوهمندترین جنبشها و خیزشها، برای چندین ماه همچنان ادامه دارد. ایران دستخوش تحولات سرنوشت سازی شده که پیرامون عمق و وسعت آن بسیاری از کارشناسان و تحلیل گران معتبر نوشته و گفته اند.

آدینه شب، ۲۵ شهریور سال ۱۴۰۱ خورشیدی جرقه ای بر خشم و نفرت انباشته شده جامعه زده شد که بسیاری از کارگزاران نظام پیرامون وقوع آن هشدار می دادند. شمار زیادی از شهروندان تهران در برابر بیمارستان کسرا تجمع کردند و شعار مرگ بر دیکتاتور سردادند. از آن لحظه گسلهای گوناگون (استبداد سیاسی/ اختلاف عمیق طبقاتی و بیکاری/ تبعیض مذهبی، جنسیتی، ملی و قومی/ بحران آب و ویرانی طبیعت/ و...) و بحرانهای بیشمار (فساد نهادینه شده و گسترده حکومتی/ نبود چشم انداز برای آینده نسل جوان/ انسداد فرهنگی به شمول حجاب اجباری/ و...) با شدتی کم نظیر فعال شد و تمام آن چه در خیزش دی ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ و صدها حرکت اعتراضی و شورشی تجربه شده بود، با ابعادی کلان تر بازسازی گردید.

روز شنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ مراسم خاکسپاری ژینا به جلوه کم نظیر جنبش توده ای با شعارهای «مرگ بر دیکتاتور/ مرگ بر خامنه ای/ و زن، ژینا، آزادی» تبدیل شد و همزمان در شهرهای گوناگون مردم و در کانون آن زنان و جوانان خیابانها را فتح کردند.

مردم با خیزشهای اعتراضی شاکله بی ریخت حکومتی که با تبهکاری و تنها با سرکوبهای بی محابا به حیات ننگین خود ادامه می دهد را به مبارزه سرنوشت ساز طلبیدند و در حالی که «مقام معظم» در تدارک ولیعهدی «آقا مجتبی» بود، جامعه با کش خود میز «آقا» را به هم ریخت و نام «ژینا» را به عنوان «اسم رمز» یک خیزش و قیام تاریخی به ثبت رساند.

جامعه ای که آیین شورش، قیام و انقلاب بود، تولد دوران نوینی را با عزم و رزم خود اعلام کرد و با تأیید این که «انقلاب جشن ستمدیدگان و استثمارشدگان است»، آتش برافروخت و پیرامون آن و دست در دست هم آرزوی «رقصی چنین میانه میدان» را به واقعیت تبدیل کرد.

در برابر این پیکار سرنوشت ساز، ولی فقیه نظام همه شگردهای خود را به کار گرفته تا با کمک سرکوبگران، غارتگران، انگلها، آدمکشان، تجاوزکاران، لومپنها، چنگبرها و همه آنهایی که فاقد حداقل شرافت هستند، انقلاب را سرکوب و خاموش کند.

هرانا در گزارش روز چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ خود اعلام کرد که: «در طی ۵ روز در مجموع ۱۱۴ نقطه در ۲۹ استان کشور شاهد اعتراض بوده، ۱۸ دانشگاه کشور دستکم ۲۰ بار تجمع کردند ۶۹ شهر ۹۴ مرتبه در طی ۵ روز تجمع کردند.»

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در اطلاعیه روز پنجشنبه ۳۱ شهریور اعلام کرد: «در ششمین روز قیام، مردم دستکم در ۸۶ شهر در ۲۸ استان با شعار "مرگ بر خامنه ای"، "اسم سال خونه سید علی سرنگونه" دست به اعتراض زدند.»

در میان شعارهای ایجابی عمومی ترین شعار از میان انبوه شعارها چنین است:

آزادی آزادی آزادی  
ژن، ژینا، نازادی/ زن زندگی آزادی  
نه سلطنت، نه رهبری، دمکراسی برابری  
عدالت، آزادی، حجاب اختیاری  
رهایی حق ماست، قدرت ما جمع ماست

این شعارها نشان می دهد که نیروهای انقلاب برای سرنگونی نظام حاکم و تحقق آزادی بپاخته اند. عمل انقلابی و گسترده مردم در روزهای ۲۴، ۲۵ و ۲۶ آبان ۱۴۰۱، که در گرامیداشت قیام آبان ۱۳۹۸ صورت گرفت، یک جهش بزرگ برای انقلاب رهاییبخش مردم را به ثبت رساند. ترازنامه جنبشها و خیزشهای این سه روز به اندازه کافی پوشش رسانه ای پیدا کرده است. این سه روز پیوند عمیقی میان قیام سترگ هفته آخر آبان ۱۳۹۸ با قیام کنونی برقرار کرد.

### واکنش کارگزاران نظام و پیرامون آن به

#### خیزش انقلابی

خامنه ای روز شنبه ۲۸ آبان گفت: «حالا که نتوانستند مردم را به میدان بیاورند، در حال شرارتند تا بلکه بتوانند مسئولان را خسته کنند. البته اشتباه می کنند، چرا که این شرارتها موجب می شود مردم خسته و از آنها بیزارتر و متنفرتر شوند..... این حوادث و جنایتها و تخریبها مشکلاتی برای مردم و کسبه درست می کند، اما افراد در صحنه و پشت صحنه این شرارتها، بسیار حقیرتر از آن هستند که بتوانند به نظام آسیب بزنند.... بساط شرارت بدون شک جمع خواهد شد. .... عاملان جنایت، قتل، تخریب یا تهدید به آتش زدن، دکان و ماشین کاسیان، و مردم و آن کسی که با تبلیغات آنها را وادار به این کارها کرده، هر یک باید به اندازه گناه شان مجازات شوند.... تا این ساعت بحمدالله دشمن شکست خورده است اما دشمن هر روز کید و مکرری دارد و با شکست امروز، ممکن است سراغ افشار مختلف همچون کارگران و زنان، برود اگرچه شان بانوان، و کارگران با شرف ما بسیار بالاتر از آن است که تسلیم بدخواهان شوند و فریب آنان را بخورند.»

بقیه در صفحه ۱۲

بر اساس گزارشهای منتشر شده طی هفت روز آخر شهریور دستکم ۹۰ تن از شهروندان به شمول زنان، جوانان و نوجوانان در این جدال سرنوشت ساز به شهادت رسیدند.

روز شنبه ۸ بهمن ۱۴۰۱، سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام کرد که تاکنون تظاهرات و قیام سراسری در بیش از ۲۸۲ شهر با ۷۵۰ شهید و سی هزار دستگیری به ثبت رسیده است. این سازمان تاکنون اسامی و مشخصات ۶۴۷ تن از شهیدان انقلاب ۱۴۰۱ را اعلام کرده است.

بر اساس گزارشهای منتشر شده: از ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ تا اول آذر ۱۴۰۱، دستکم ۱۰۲۷ حرکت اعتراضی از جانب دانشجویان سراسر کشور صورت گرفته است. گزارشهای گوناگونی که از چندین هزار حرکت خیابانی، تجمع و اعتراض در دانشگاه، مراسم یادمان شهیدان انقلاب، اعتصاب بازاریان، عمامه پرانی، سردادن شعار شبانه از پنجره و بالکن خانه ها و... نشان می دهد که لبه تیز حمله به سوی تضاد عمده، یعنی تضاد بین مردم و حکومت، و برای سرنگونی نظام است که خود را در شعارهای زیر از میان صدها شعار نشان می دهد:

مرگ بر دیکتاتور  
مرگ بر خامنه ای  
مرگ بر خامنه ای، لعنت بر خمینی  
جمهوری اسلامی، نمی خواهیم نمی خواهیم  
خامنه ای حیا کن، مملکتو رها کن  
خامنه ای قاتله، حکومتش باطله  
خامنه ای ضحاک، می کِشیمت زیر خاک  
مرگ بر سپاهی

بسبجی، سپاهی، داعش ما شمابید  
این آخرین پیامه، هدف خود نظامه  
تا آخوند کفن نشود، این وطن وطن نشود  
امسال سال خونه، سید علی سرنگونه  
توپ تانک قشقه آخوند باید گم بشه  
بهش نگیں اعتراض، اسمش شده انقلاب  
مهسا اسم رمز ماست، سرنگونی عزم ما است

هیز تویی هرزه تویی، زن آزاده منم  
می کشم می کشم، هر آنکه خواهرم کشت  
چه بی حجاب چه با حجاب، میریم بسوی انقلاب  
می جنگیم، می میریم، ایران رو پس می گیریم  
ما همه مهسا هستیم / بجنگ تا بجنگیم!  
کردستان، کردستان/ گورستان فاشیستان  
فقر و فساد و بیداد ننگ بر این استبداد  
مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر  
این شعارها عمومی ترین و گسترده ترین شعارهایی است که جنبه نفی نظام دارد.

## گزارش سیاسی سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به یازدهمین اجلاس شورای عالی

بقیه از صفحه ۱۱

روزنامه کیهان روز دوشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۱ نوشت: «مدعیان مفلوک اصلاحات به فرموده کارفرمای خود یکی یکی به میدان می آیند تا شکست خوردگی راهبردی دشمن را پنهان کنند و به تقویت تروریستیهای تجزیه طلب ادامه دهند. از جمله این مدعیان می توان خاتمی و محقق داماد را نام برد... اخیراً نیز عبدالله نوری یکی دیگر از پادوهای دشمن بیبینه ای داده تا عصا زیر بغل دشمن سیلی خورده از ملت بگذارد... این طیف وطن فروش و نوکر بیگانگان را باید پای میز محاکمه کشید و متلاشی کرد».

لطف الله دژکام، روضه خوان نماز جمعه شیراز چنین می گوید: «این را دیدگه آقا، مقام معظم رهبری با یک تبیین روشن و واضحی به همه مان گفت که امروز جریانهای مختلف سیاسی در کشور ما هست که همه شان می گویند ما نظام جمهوری اسلامی را قبول داریم ما ایران قوی را می خواهیم، شعار می دهند برای این. اگر راست می گویند چرا همدیگر را این طور دارید توی سر هم می زنید! الان دشمن ریخته توی سر ما پس چرا توی سر هم می زنید؟ دم خروس را باور کنم یا قسم حضرت عباس؟» [تلویزیون شبکه فارس، شنبه ۲۶ آذر ۱۴۰۱] محمد دهقان، معاون حقوقی رئیسی جنبش انقلابی کنونی را «در نوع خود بی سابقه» خواند و گفت: «دشمن توانست با به کارگیری برخی عناصر خود فروخته و برخی افراد فریب خورده [بخوانید مردم ستمدیده و بیباکستانه] برای اولین بار در تاریخ انقلاب چالش امنیتی و سیاسی جدی برای ملت [بخوانید ولایت خامنه ای] و کشور درست کند.» او کاسه و کوزه ها را بر سر دولت روحانی ریخت آن چنان که گویا دولت‌های قبلی جزئی از نظام و تحت امر ولی فقیه نبوده اند و اضافه کرد: «بخش زیادی از توان دولت سیزدهم صرف جبران اشتباهات عجیب گذشته شده است.» [انتخاب، جمعه ۷ بهمن ۱۴۰۱]

در همین روز، آخوند صدیقی در روضه خوانی نماز جمعه در تهران گفت: «این اهانت به رهبری نبود اهانت به یک شخص نبود دنیای کفر از اسلام [بخوانید استبداد دینی] وحشت دارد.» [هیات آنلاین]

پاسدار حسن کرمی، سرکرده یگان ویژه فرماندهی انتظامی، روز شنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۱، گفت اعتراضات «جمع شده و پایان یافته است... و این توانمندی را داریم که این گونه حوادث را در کمتر از ۶ روز جمع کنیم.» [فارس]

این روزها که سرنگونی نظام جمهوری اسلامی در حال رقم خوردن است را خمینی به خوبی توصیف کرده بود: «بترسید از آن روزی که مردم بفهمند در باطن ذات شما چیست و یک انفجار حاصل شود. از آن روز بترسید که ممکن است یکی از "ایام الله" - خدای نخواست - باز پیدا شود. و آن روز دیگر قضیه این نیست که برگردیم به ۲۲ بهمن. قضیه [این] است که فاتحه همه ما را می خوانند!» [صحیفه خمینی، ج ۱۴، ص ۳۸۰]

در تازه ترین نمونه ریزش در رژیم حاکم و پیرامون آن، فاصله گیری دید هرنگام میرحسین موسوی، «نخست وزیر امام» از ایده «اصلاح نظام» و «اجرای بدون تنازل قانون اساسی» آن است. وی در بیانیه ای که روز شنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۱ انتشار یافت، به صراحت به اصلاح ناپذیری رژیم حاکم اعتراف و اعلام کرد: «اجرای بدون تنازل قانون اساسی، به عنوان شعاری که سیزده سال پیش بدان امید می رفت، دیگر کارساز نیست.» در ادامه وی ضرورت برگزاری رفراندوم و تشکیل مجلس موسسان را به میان کشید. کشاندن او از «دوران طلایی

امام» به این نقطه، روشنترین شاهد پیشرفت انقلاب و تعمیق آماجهای آن است. اری این «انفجار» خشم و نفرت «حاصل» شده و بنیاد استبداد مذهبی را از بیخ و بن بر می افکند.

### زمینه ها و دلایل

جنبشها و قیامهایی که نزدیک به پنج ماه است ادامه دارد، یکباره به وجود نیامده و تمایز آن نه در ماهیت و خصلت آن، بلکه در عمق و گستردگی اش است. بررسی وضعیت فلاکتناز مردم نشان می دهد که رژیم حاکم در کلیت آن با همه دسته بندیها و باندهای درونی اش مقابل جامعه قرار گرفته است. عملکرد کارگزاران نظام و در رأس آن ولی فقیه، در چند کلمه خلاصه می شود: دزدی از جیب و سفره مردم، چپاول ثروت و سرمایه های جامعه، استثمار بی حد و مرز نیروهای کار، تخریب محیط زیست کشور و انباشت سرمایه و ثروت در دست دو درصد. جامعه در برابر حاکمان قرار گرفته و هر قدرت در جدال درونی مداوم که همواره افزایش می یابد به حیات خود ادامه می دهد.

تلاش ناکام خامنه ای برای بازسازی اتوریته اش که در سال ۱۳۸۸ به وسیله زنجیره ای از خیزشهای اجتماعی، به ویژه در روز عاشورای همان سال (۶ دی ۱۳۸۸) با شعار «مرگ بر اصل ولایت فقیه، مرگ بر خامنه ای»، ضربه خورد جامعه را در شرایط و بحران انقلابی\* قرار داد. از آن زمان تا دی ماه ۱۳۹۶ که یک موج عظیم سراسری علیه حاکمیت جریان پیدا کرد و مردم تکلیف خود را با نظام و همه باندها و دسته بندیهای درونی آن روشن کردند، شاهد چندین هزار حرکت اعتراضی از جانب کارگران، کشاورزان، معلمان، پرستاران، کامیونداران، دانشجویان، بازنشستگان، بیکاران، بازاریان، طرفداران محیط زیست و... بودیم که در هر گوشه و کنار کشور جریان داشت و نشان می داد رژیم فاقد هرگونه پشتیبانی مادی از جامعه است.

در سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیهاکل، و در حالی که خامنه ای سرمست سرکوب قیامها بود، ما اعلام کردیم: «جنبش اجتماعی و قیامهای چند ماه گذشته برخلاف دیدگاه سازشکاران و فرصت طلبان که با کلی گوییهای فضل فروشانه، کانون هر تغییر و تحولی را در درون نظام ولایت فقیه جستجو می کردند و ظرفیت انفجاری جامعه را با عوامفریبی و یا خودفریبی به هیچ می گرفتند، نشان داد که نه جمهوری اسلامی ظرفیت تحول پذیری از درون خود را دارد و نه مردم ایران به لاف و گزافهای کسانی که از سرحقارت و یا به علت نادانی به درونمایه اساسی جامعه توجه ندارند، اهمیت می دهند.

واقعیت این است که ولایت خامنه ای پس از سرکوب خیزش دانشجویان و جوانان در ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ و پس از تحمیل یک کوتوله سیاسی در سال ۱۳۸۴ به رقبای خود، به این توهم دامن می زد که رژیم حاکم، جاودانه به سربر قدرت تکیه زده و هیچ نیرویی نمی تواند برای به زیر کشیدنش از مرکب جهل و جنایت قیام کند. این لاف پر گزاف و این ادعاهای سخیف با جنبش بیشماران و فداکاریهای زنان و مردان ایران زمین به یکباره رنگ باخت. خیزش رنگین کمان مردم ایران در مقابل چشم جهانیان واقعیت جامعه ایران را به وضوح نشان داد...  
راست است خونی که از پیکر این جنبش بر زمین ریخته شد، بذر شورش و خروش ستمیدگان و سرکوب شدگان را در ایران زمین پراکند.» (۱۸ بهمن ۱۳۸۸)

در بیانیه به مناسبت پنجاهمین سالگرد حماسه سیهاکل پیرامون وضعیت اقتصادی کشور اعلام کردیم: «حکومت در یکی از سیاه ترین دوره های حیات اقتصادی کشور، برای تامین کسری بودجه و در کنار آن دستبرد به جیب مردم، مشارکت در بازار بورس را تبلیغ و ترویج می کند و هر روز به گونه مضحکی از رونق این قمارخانه بیرحم آمار ارایه می دهد. همزمان بانکها به شیوه های مختلف از بانک مرکزی پول دریافت می کنند و بدین وسیله به رشد بی دنده و ترمز اندوختگی کمک می رسانند. کانال تلگرام خبر فوری در روز یکشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۰ در گزارشی اعلام کرد: «آمارها نشان می دهد دولت سیزدهم میراث دار شرایط دشواری است که عدم کنترل بیمه های ساعتی آن می تواند تبعات و پیامدهای جدی از مسیر افزایش پایه پولی و نقدینگی و سپس تورم داشته باشد؛ وضعیتی که مستقیماً رفاه و معیشت مردم را هدف قرار داده است. شاهد این ادعا خلق ۱۲۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی در ماه یا به عبارتی نزدیک به ۴ هزار میلیارد تومان نقدینگی در روز است. بررسی [روزنامه] فرهیختگان نشان می دهد، ادامه روند افزایش لگام گسیخته نقدینگی حاکی از آن است که تا پایان سال ۱۴۰۲، نقدینگی ۲ برابر شده و تورم افسارگسیخته بیشتری در انتظار اقتصاد ایران خواهد بود. هم چنین پیش بینی می شود نقدینگی در پایان سال ۱۴۰۴، با ۲۵۰ درصد افزایش نسبت به ابتدای سال ۱۴۰۰، به حدود ۱۵۴ میلیون میلیارد تومان افزایش می یابد، این بدان معناست که خلق روزانه نقدینگی در سال ۱۴۰۴ به ۱۱ هزار میلیارد تومان خواهد رسید؛ رقمی که در حال حاضر نزدیک به ۳۶۰۰ میلیارد تومان است.» این چنین رشد بی محابای اندوختگی افزایش زیاد تورم را نوید می دهد و اگر اکنون تورم در حدود ۴۶ درصد نوسان می کند، شاهد افزایش سرسام آور تورم و در نتیجه افزایش تصاعدی قیمتتها خواهیم بود که خروجی آن کشنده شدن ۷۰ درصد جامعه به فلاکت، تنگدستی و گرسنگی خواهد بود.» [چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۹]

آخرین اقدام غارتگرانه ولی فقیه تصمیم محرمانه «مولد سازی دارائیهای دولت» [بخوانید حراج بدون نظارت اموال و منابع عمومی] است که تصمیم آن در آبان سال جاری رنگ مادی به خود گرفت و در پی افشاگری یک رسانه حکومتی، خامنه ای در روز یکشنبه ۹ بهمن ۱۴۰۱ با تایید خامنه ای رسانه ای شد. این تصمیم که اختیار اموال عمومی مردم، بدون نظارت قوه مقننه و قضاییه، به هفت نفر واگذار می شود و در رأس آن پدر خوانده چپاولگران، محمد مخبر دذفولی قرار دارد که غارتگری بی حد و مرز اموال عمومی را کلید می زند و نتیجه آن بازهم تشدید فلاکت عمومی است.

اکنون با تاراج اموال مردم، شعار خمینی شیاد و جلاد مینی بر حمایت از کوخ نشینان به طور واقعی تحقق یافته و تنها سهو خمینی گفتن «کوخ» به جای «کاخ» ولایت» بود.

### شعله های سوزنده قیام دی ماه ۱۳۹۶

قیام دی ماه ۱۳۹۶ بلوغ شرایط انقلابی را به روشنی نشان داد. در همین خیزش توفنده بود که شعار «اصلاح طلب اصول گرا، دیدگه تمومه ماجرا» به ثبت رسید. صدای بی صدایان و به حاشیه رانده شدگان، جای خود را در خیابان پیدا کرد و مقابل چشم همگان سرود انقلاب سرداده شد. آنهایی که از دردها و رنجهای فروخته شان کسی خبر نمی گرفت، در صدر رسانه های جهان جای گرفتند. مارش پرشکوه فرودستان، عینی ترین حقیقت جامعه ایران را بدون هرگونه بزک حکومت ساخته در کف خیابان به نمایش گذاشت.

خیزشهای چند روزه دی ۱۳۹۶ خود را به عنوان آغاز پروسه انقلاب دمکراتیک نوین مردم ایران به ثبت رسانده است. مردم بر وضعیتی شوریدند که هیچ چشم

بقیه در صفحه ۱۳

## گزارش سیاسی سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به یازدهمین اجلاس شورای عالی

بقیه از صفحه ۱۲

انداز بهبود برای آنان از جانب باندهای درونی نظام نداشت و «ارمغان» نظام برایشان فقط فلاکت بیشتر بود. واکنش جامعه در برابر تبهکاری حاکمان حضور در کف خیابان و طرح شعارهایی بود که بارها تکرار کرده بودند.

روزنامه لوموند که معمولاً در مورد شرایط داخلی ایران محافظه کارانه برخورد می کند، در شماره روز سه شنبه ۱۲ دی ۱۳۹۶ (۲ ژانویه ۲۰۱۸) نوشت: «آنچه در ایران امروز می گذرد یک انقلاب به معنای حقیقی کلمه است.»

جمع بندی سچفخا از قیام تهیدستان در دستکم ۱۵۰ شهر چنین است: «این خیزشها در بستر یک شرایط عینی به جریان افتاد که استبداد سیاسی و سرکوب اقتصادی آن را ایجاد کرده بود. این قیامها پروسه خیزشهای ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ را تداوم بخشید و آن را به اوج دیگری رساند که از نظر رادیکالیسم در شعارهای جاری و مرزبندی با حاکمیت از اعتلای توده ای در سالهای یاد شده جلوتر بود. حرکت دی ماه نشان داد که تدبیرهای وحشیانه حاکمیت در عرض هشت سال پیش از آن ناکام بوده است و نیروی تغییر و خواست اجتماعی آن بسا نیرومندتر از سرکوب پلیسی و امنیتی است. خامنه ای و پاسداران ولایت در طول این دوره در جنگی فرسایشی و مداوم با حرکتهای اعتراضی کارگران، زحمتکشان، معلمان، پرستاران، دهقانان، دانشجویان، بازنشستگان، ارتش، بیکاران، غارت شدگان، زنان، مدافعان محیط زیست، دستفروشان، کولبران و ... قرار داشتند که در دی ماه ۱۳۹۶ تجمیع یافت و جبهه گسترده تری را علیه حاکمیت گشود. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بین سالهای ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ به تریبون نیرومندی برای انعکاس مبارزات بخشهای گوناگون مردم ایران بدل گردید و به طور روزانه، هفتگی و ماهانه در رسانه های خود صدای آنها را که در هزاران حرکت اعتراضی پژواک می یافت، بازتاب داد.

خیزشهای دی ماه فقط اعتراض به وضع موجود نبود، بلکه خواست گذار از آن را نیز همراه خود داشت. توده معترض با صف بندی علیه نظم حاکم و نمادهای آن، آگاهی خود از ریشه فلاکت و مشکلاتی که با آن دست بگریبان بود را فریاد زد. شعارهای «مرگ بر خامنه ای» و «مرگ بر اصل ولایت فقیه» در نوک حمله معترضان قرار داشت و در شعارهای دیگری همچون «سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن» پایه های ثبات حکومت زیر ضرب قرار می گرفت. توده ها در عمل به افقی چشم دوخته بودند که در آن جمهوری اسلامی جایی نداشت. ( گزارش سیاسی مصوب دهمین اجلاس شورای عالی سچفخا، ۴ فروردین ۱۳۹۸)

به گزارش ایلنا، پاسدار حسین ذوالفقاری، معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور، روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۶، در همایش استانداران پیرامون حجم و ماهیت تجمعی اعتراضی گفت: «ما در گذشته چنین پدیده ای نداشتیم و با وضعیت متفاوت تری از گذشته مواجهیم... این اعتراضات عبور از همه جریانهای سیاسی کشور بود... تا آخر آذر ماه حدود ۵ هزار تجمع عمده در کشور برگزار شد.»

در فاصله میان دی ۱۳۹۶ تا قیام هفته آخر آبان ۱۳۹۸، سپهر سیاسی ایران سرشار از رویدادهایی بود که وجود شرایط انقلابی را نشان می دهد. کنشهای گسترده جامعه در ابعاد کلان جریان داشت. که به برخی از آنها در بخشهای دیگر پرداخته خواهد شد. در هرم قدرت نیز

خروجی کنشها بیش از آن که همگرایی باشد، واگرایی می شد.

آخوند محمد مهدی حسینی همدانی، در روضه خوانی روز جمعه ۱۴ دی ۱۳۹۷ گفت: «هرکسی از هرجایی که بلند شد شروع کرد به حرف زدن... رهبری و جایگاه ولایت خط قرمز ماست... ما در مقابل این گونه حرفها کوتاه نمی آییم. کسی حق ندارد وارد این حریم شود.» (آخرین خبر)

آخوند محمد تقی رهبر در نماز جمعه روز ۱۵ آذر سال ۱۳۹۶ در اصفهان در رابطه با جنبشهای کشاورزان گفت: «بابا رهبری یک فرد است با هزاران مسئولیت، یک عده می خواهند تیر و ترکشها را مفرضانه به سمتی توجه بدهند که مثلاً به مقام عالی ولایت که اصلاً استوانه نظام است.» (تلویزیون شبکه اصفهان)

چند ماه پیش از آبان ۱۳۹۸، حسین موسوی تبریزی، بیدادستان کل ارتجاع و ضد انقلاب در دوران خمینی بر بی پایه بودن نظام اعتراف کرد و گفت: «تعداد شرکت کنندگان در نماز جمعه کل کشور به ۱۰۰ هزار هم نمی رسد.» (اعتماد آنلاین، جمعه ۲۵ مرداد ۱۳۹۸)

و خامنه ای که از تاثیر رسانه ای شدن تضادهای درونی نظام به خوبی آگاه بود، در روز چهارشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۹۸ از رسانه ای شدن جدال بین ایادی و

خود بردارند و شماری از آنان به وجود شرایط انقلابی اعتراف کنند.

پس از آبان ۱۳۹۸، امیر محبیان، یکی از تنوریسینهای باند خامنه ای و جریان اصولگرا در سمیناری که گزارش آن را خبرگزاری ایرنا در روز پنجشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۸ پوشش داد به انباشت خشم و نفرت مردم اعتراف می کند و می گوید: «جامعه ما هم اکنون روی "بمب اجتماعی" قرار داشته که هر لحظه احتمال انفجار آن وجود دارد. نباید از کنترل آن پدیده با هر روشی خوشحال باشیم، بلکه باید بدانیم این موارد درحال نزدیک تر شدن به یکدیگر هستند. با این رویکرد من فعل کاهنده نمی بینم بلکه خشونت بیشتر و نفرت بیشتر را می بینم.»

قیام هفته آخر ماه آبان ۱۳۹۸ یک رویداد ترکیبی از زلزله، سیل و توفان بود که پیش خود (دی ۹۶) را تکامل داد و عرض و عمق آن تاثیر شگفت در پس آن (انقلاب ۱۴۰۱) داشت.

پیرامون این گُش دوران ساز در شماره ۴۱۹ ماهنامه نبرد خلق به تاریخ اول دی ۱۳۹۸ آمده است: «مردم و در مرکز ثقل آن فرودستان چنان ضربه غیر قابل جبران بر بنیاد حکومت وارد کردند که خامنه ای خود وارد صحنه شد، افسار مزدورانش را رها کرد تا به جان مردم بیفتند و بی محابا کشتار کنند. همچنین مرجع خودخوانده شیعیان جهان مجبور شد تا در تعریف حکومتی از مستضعفان که مرده ریگ خمینی است تجدید نظر کند تا مبادا به ذهن عمله و آکره آقا این



همانی "اغتشاشگر" و "مستضعف" خطور کند. ولی فقیه نظام خطاب به بسیجیان گفت: "مستضعفین را بد معنی می کنند، این چند سال اخیر باب شده آن را فرودست و افسار آسیب پذیر معنا می کنند؛ نه! قرآن مستضعف را این نمی داند... قرآن می گوید: مستضعفین یعنی ائمه و پیشوایان بالقوه عالم بشریت." راست این است که آقا یک شبه خواب نما نشده و یا از عالم غیب به او الهام نشده که دست به چنین تجدید نظری بزند. بالاتر دید او بیش از هر کس از آن چه در کف خیابانهای سراسر کشور اتفاق افتاد و از میزان خشم و نفرت فرودستان از ولایت اش مطلع است.

حسین نجات، از سرکردگان سپاه پاسداران، مردم معترض را «بیسواد و آلوده» خواند و گفت: «در مدل جدید براندازی، تکیه بر افراد فرو دست جامعه و کسانی است که محصول حاشیه نشینی و بی سوادی هستند و در فضای مجازی آلوده شده اند.»

آخوند علیرضا ادیانی، رئیس عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، گفت: «تنها در یک روز در ۱۶۵ شهر در ۲۵ استان کشور ناآرامی به وجود آمد.» و «فته اخیر موجب ایجاد برخی ناامنیها در ۹۰۰ نقطه کشور شد.» وی تاکید

بقیه در صفحه ۱۴

گماشتگانش، ابراز نگرانی کرد. او در ملاقات با کارگزاران نظام گفت: «اختلاف طبیعی بین مسئولان نباید رسانه ای شود.»

چند روز پیش از شروع خروش آبان، حسن روحانی در یزد گفت: «هنوز برای ما مشخص نیست آقایی که دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون را خورد چه شده است، او را دستگیر و دادگاهی کردند اما این پول کجا رفت؟ چه کسانی مسئول هستند؟» (ایلنا، یکشنبه ۱۹ آبان ۱۳۹۸)

### قیام توفنده آبان ۱۳۹۸

در رویداد آبان ۱۳۹۸ و البته دی ۱۳۹۶، نیروهای کار، تهیدستان، زحمتکشان، فراموش شدگان و طبقات متوسط که در آستانه سقوط به طبقات فرودست بودند شرکت داشتند و این دو رویداد جلوه دیگری از بحران و شرایط انقلابی بود. کارل مارکس در جایی گفته است: «وجود انسانهای رنج دیده ای که فکر می کنند و انسانهای متفکری که رنج می برند با این دنیای ددمنش و بی اثری که مایه لذت برخی افراد مبتذل و محدود الفکر است به ناچار وارد مرحله ستیز می شود.»

برخی از نظریه پردازان به اصطلاح چپ که از سرناآگاهی و یا لجاجت بلاهتبار منکر این واقعیت بودند، سرانجام در سال ۱۴۰۱ مجبور شدند دست از بلاهت

## گزارش سیاسی سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به یازدهمین اجلاس شورای عالی

بقیه از صفحه ۱۳

کرد که «حوادث این چند روز از نظر وسعت و شدت به مراتب رادیکال تر، خشن تر و تا حدی متفاوت تر از فتنه های سالهای گذشته بود.» (سایت رویداد ۲۴، اول آذر ۱۳۹۸)

بر اساس خبرهای منتشر شده در رسانه های جمعی و شبکه های اجتماعی شورش شبانه روزی هفته آخر آبان در بیش از ۱۷۵ شهر و با تکرار در بسیاری از شهرها در بیش از هزار نقطه جریان داشته که در آن دستکم ۱۵۰۰ تن از زنان و مردان با شلیک مستقیم گلوله جنگی توسط مزدوران مسلح رژیم به شهادت رسیدند.

سجفخا در روز چهارشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۸، قیام هفته آخر این ماه را چنین گونه جمع بندی کرد:

«۱- بحران و شرایط انقلابی وارد مرحله جدیدی شده و رژیم حاکم بر ایران با همه دسته بندیها و پاندهای درونی آن در مرکز مشیکلات و دشواریهای مردم ایران قرار دارد و منبع تضاد منتهی است که کرامت، ارزشها و غرور آنها را لگدمال می کند. جامعه یک بار دیگر و این بار با توان بیشتر برای تغییر بنیادی این شرایط به پا خاسته است.

۲- قیامهای چند روز گذشته و صدها حرکت اعتراضی طی یک سال گذشته نشان داد که بر خلاف دیدگاه برخی از گروهها و شخصیتهای سیاسی، تحریم و فشار خارجی نه مردم را گوشه نشین و منفعل می کند و نه آنان را در کنار استبداد مذهبی حاکم قرار می دهد.

۳- قیام با وجود سرکوب بیرحمانه و ارتکاب جنایت جنگی علیه شهروندان غیرمسلح، با قدرت به پیش می رود. رژیم به تله افتاده است، گریبان او را نباید رها کرد و باید درهم کوبیدش. در میدان این مبارزه، نفس هر کس که بلندتر است، پیروزی از آن اوست و ایستادگی جانانه مردم دلیر ایران در برابر ماشین سرکوب، در حال از نفس انداختن رژیم فرتوت ولایت فقیه است ... پس به پیش، به پیش!»

### تشدید تضادها پس از آبان ۱۳۹۸

خامنه ای با کشتار دستکم ۱۵۰۰ شهید از زنان و مردانی که در قیام ۱۳۹۸ علیه وضع موجود شوریده بودند، در این خیال باطل بود که با آن سرکوبهای ددمنشانه هم جامعه را چهار کرده و هم پاندهای درونی را به کرنش صد در صد کرده است. جواب جامعه به این رویاروایی روشن بود و به آن خواهیم پرداخت. باندها و جناحهای درونی رژیم هم به جای «اتحاد» هیزم بیار آتش «جدال» شدند.

به گزارش سایت «حلقه وصل» در روز پنجشنبه ۲۱ آذر ۱۳۹۸، محمود احمدی نژاد گفت: «چه بلایی سر مملکت آورده اید هر که حرف می زند خفش می کنید توی دهنش می زیند سرکوب می کنید آن دستگیر می کند آن توهمین می کند چرا؟ مملکت مال همه هست مگر شما مالک مملکت هستید آقای رئیس جمهور، آقای سران قوا همه مسئولین کشور مگر مالک مملکت هستید.»

روز دوشنبه ۱۸ آذر ۱۳۹۸، پروانه سلحشوری طی سخنانی در مجلس ارتجاع گفت: «متأسفانه به جز اقلیتی برخوردار از تبعیض و امتیاز بقیه مردم را رها کرده ایم، به گونه ای که امسال گفته شد بیش از نیمی پذیرفته شدگان سهمیه پزشکی کسانی بودند که دچار سهمیه بودند. یک طبقه نو ساخته و بر ساخته و دارای امتیازاتی گوناگون و بقیه مردم رها شده به همین دلایل متأسفانه جمهوریت نظام به سمت تمرکز گرایی پیش

رفته است، استبداد سرکش تام و تمام در هر یک از بخشها، قدرت نمایی نهادهای موازی در همه احوالات اداره کشور از مجمع تشخیص مصلحت گرفته تا شورای نگهبان از شورای امنیت ملی گرفته تا شورای فضای مجازی و شورای انقلاب فرهنگی و اخیراً سه گانه سران قوا، به راستی جایگاه نهاد ملت کجاست؟ و اما در ساختارهای دوگانه ارگانها و حتی چندگانه که هم حکم می رانند چند دولت؟ چند اطلاعات؟ چند نهاد موازی؟ و نهایتاً حاکمیتی دوگانه که از مسئولیت پذیری فرار می کند و با بازی کی بود کی بود من نبودم مملکت را اداره می کند، اکنون گسست اجتماعی بی اعتمادی اجتماعی نبود سرمایه اجتماعی شکاف طبقاتی و شکاف جنسیتی از معلولهای حکمرانی غیرمسئول کشور هستند.» (راديو فرهنگ)

ای با اعلام «گام دوم انقلاب»، راه نجات را از طریق «دولت جوان حزب الهی» و راهکار «یکدست سازی» کل نظام و پیگیری مداوم سیاست صدور ترور و بنیادگرایی اسلامی دانست. هدف او ایجاد یک قطب «بنیادگرایی شیعی» در مقابل کشورهای خاورمیانه و جهان غرب و تشدید حرکت در «میدان» به عنوان «عمق استراتژیک نظام» با موشک و جنگهای نیابتی بود...

البته پس از شکست پروژه آمریکایی «خاورمیانه بزرگ»، نقشه ایجاد «هلال شیعی» در خیابانهای بغداد، نجف، بصره، کربلا، بیروت و ... لگد مال مارش پرتوان مردم عراق و لبنان شد. عمق استراتژیک رژیم ولایت فقیه زیر ضربات قیام مردم شهرهای عراق و لبنان، به عمق نفرت و انزجار از ولایت فقیه، استبداد دینی و فرقه ای و باندهای فاسد، تبهکار و چپاولگر تبدیل شده است.



### دگرگونی روانشناسی توده ها به سوی تغییر

#### الف: شعبده بازی انتخابات در دو پرده

مهندسی پر کردن مجلس از افراد فاسد و سرکوبگر و به کرسی نشاندن یک گماشته تبهکار و گوش به فرمان در مسند ریاست جمهوری دو راهکاری بود که خامنه ای در پیش گرفت و آن را اجرایی کرد.

در جنتی شوی موسوم به انتخابات مجلس در روز ۲ اسفند ۱۳۹۸، افرادی بهارستان را اشغال کردند که بر اساس آمار حکومتی به طور متوسط کمتر از ده درصد آرا شرکت کنندگان در نمایش را کسب کرده بودند. باند مغلوب این انتخابات را «حداقلی» نامیدند.

شعبده بازی خامنه ای در روز آدینه ۲۸ خرداد برای به کرسی نشاندن یک تبهکار به کرسی ریاست جمهوری با فضاحتی بی سابقه و با تحریم اکثریت قاطع مردم روی صحنه رفت و بر تابلو وزارت کشور نام عامل قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به عنوان برنده ثبت شد. آتش این نمایش آن چنان شور بود که صدای آسپیزان آن هم درآمد. در حالی که رسانه های حکومتی در حوزه های سوت و کور با ریاکاری و به فرموده ولی فقیه از «حماسه» دم می زدند، جامعه شگرف ترین کنش سیاسی خود به نام «تحریم» را به ثبت می رساند و رژیم مجبور شد اعتراف کند که بیش از ۵۰ درصد صاحبان حق رای در این نمایش شرکت نکرده، ۷۰ درصد آنان به فرد منصوب شده از جانب «مقام معظم» نه گفته اند، آرای باطله رتبه دوم را پیدا کرده و از همه بقیه در صفحه ۱۵

آخوند موحدی کرمانی در نماز جمعه روز ۲۲ آذر ۱۳۹۸ در سخنانی که به وضوح رو به روحانی داشت گفت: «خیال کردی که حالا یک مسئولیتی داری کسی هستی! وای بر آن کسی که فکر کند کسی هست... تو داخل آدم نیستی تو کسی نیستی ... تصمیم که گرفتید بنزین را که گران کنید، البته باید بگویم قیمت باید بنزین به قیمت واقعی خودش برسد، باید همه آتش برسد اما با حساب با برنامه روی حساب نه، آن که به قول آقا گفت شب خوابیدم صبح بلند شدم مطلع شدم که بنزین را گران کردند عجب! عجب! شما مطلع نبودید! شما از وضعیت کشور مطلع نبودید؟» (راديو تهران)

روز سه شنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۸، محمود صادقی طی سخنانی در بهارستان اشغال شده (مجلس ارتجاع) گفت: «شورایی که به نام هماهنگی بین سران قوا تشکیل شده به نمادی برای ناهماهنگی تبدیل شد. این چه هماهنگی است که هیچ یک از سران قوا مسئولیت تصمیمات مشترک خود را نمی پذیرند. این شیوه عمل هم کارآمدی دولت را زیر سوال برد و هم مجلس را در برابر مردم سنگ روی یخ کرد... شرم بر ما شرم بر شما که ریخته شدن خون جوانان معترضی که در اثر سیاستهای غلط اقتصادی هیچ امیدی به آینده ندارند را حجامت نظام تلقی می کنید... چرا با نگاه امنیتی بروز اعتراضها در این شهرها را به سازماندهی بیگانگان نسبت می دهید؟» (خبرگزاری مجلس)

در آن شرایط مساله اصلی ولی فقیه مهار توفان جامعه و برای باندهای درون نظام تقسیم مجدد قدرت و ثروت بود که خروجی آن حراج اتوریت ولی فقیه است. خامنه

## گزارش سیاسی سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به یازدهمین اجلاس شورای عالی

بقیه از صفحه ۱۴

چشمگیر تر، بی محلی بیش از ۹۰ درصد آرای شرکت کنندگان به کاندیدای اصلاح طلبان حکومتی بود. باید توجه داشت که ارقام ذکر شده، بر اساس آمار تنظیم شده، جعل شده و چند برابر شده حکومت است و ارقام واقعی بسی بیشتر به زبان حکومت است.

یکدست سازی حکومت، نه آبی برای ولی فقیه گرم کرد و نه نانی به سفره مچاله شده مردم آورد. ولی فقیه که وفادارترین کارگزاران نظام مثل علی لاریجانی را به تیغ جراحی سپرده بود، خیلی زود دریافت که از جراحی ولایتش و خونی که از پیکر آن ریخته شده، حاکمیتی ضعیف تر، ناکارآمد تر و فرسوده تر از گذشته زاده شده است. فاکتورهای بسیاری وجود دارد که زمین گیر شدن یکدست سازی و ضعیف تر شدن حاکمیت را نشان می دهد، به گونه ای که رسانه های حکومتی هر روز ابعاد بحران و ناکارآمدی و ضعف را پوشش می دهند.

### ب: خامنه ای در کانون ستیز مردم

در نظام جمهوری اسلامی و استبداد دینی، ولی فقیه هم به خاطر قانون اساسی جمهوری اسلامی و هم به سبب اختیارات فراقانونی تحت عنوان «حکم حکومتی»، کلیدی ترین مسئولیتها را در اختیار دارد. او تیرک خیمه نظام و در راس آن قرار گرفته و بنابراین استبداد مذهبی از طریق اختیارات و قدرت حقیقی ولی فقیه می تواند به بقای خود ادامه دهد. از این جهت است که «احکام» او «فصل الخطاب» و در حقیقت تعیین کننده است. البته این بدین معنی نیست که برندگی کارد او همیشه یکسان است، تیزی و کندی آن بستگی به موقعیت عمومی او دارد. توده های مردم از این موقعیت آگاه شده و به همین دلیل لبه تیز حمله متوجه اوست.

حسین سلامی سرکرده کل سپاه می گوید: «من به عنوان یک سرباز کوچک خاطرات دل انگیزی از دغدغه ها، نگرانی ها، غصه ها اما شجاعت، حکمت، ژرف اندیشی، تدبیر الهی، دشمن شناسی و ایستادگی رهبری دارم، امروز این مرد بزرگ سفینه نجات امت در امواج است.» (انتخاب، پنجشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۱)

علی عبداللهی، رییس مرکز حفاظت و اطلاعات قوه فاسد قضاییه می گوید: «امروز هیچ کسی به اندازه ولی فقیه ما در معرض جسارت و اذیت نیست.»

آخوند ربانی روضه خوان نماز جمعه در شهر محلات می گوید: «حرمت شخصیت مقام معظم رهبری را شکستند! حرمت روحانیت را شکستند و الان هم دارند می شکنند هنوز به این حرمت شکنی های شان ادامه می دهند.» (تلویزیون حکومتی، یکشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۱)

آخوند رسول فلاحی در روضه خوانی روز جمعه ۱۰ دی ۱۴۰۱ در رشت گفت: «در این اغتشاشات ۱۰ میلیون، من این را تا حالا نگفتم!! ۱۰ میلیون و ۴۵۰ هزار تولید محتوا بر علیه رهبری نظام کردند. ۱۰ میلیون را فقط توئیتر، ۲۰۰ هزار در اینستاگرام و ۲۵۰ هزار در تلگرام. ۱۰ میلیون ۴۵۰ هزار تولید محتوا نه بر علیه رئیس جمهور نه بر علیه سپاه نه برای نیروهای مسلح نه برای حزب الله نه بر علیه روحانیت نه بر علیه شما نماز گزاران فقط بر علیه رهبری، چرا؟» (تلویزیون شبکه باران)

بازتاب این تضاد در نظام به شکل ریزش برخی از کارگزاران سیاسی - نظامی رژیم خود را نشان می دهد. روز سه شنبه ۶ دی ۱۴۰۱، حمید ابادزی، مشاور سرکرده کل سپاه در قرارگاه زمینی امام علی، در مراسمی در ساری گفت: «امروز داریم می بینیم چه

بزرگانی چه خواصی کم آوردند، آقا جان تو این قدر القاب پشت سرت هست، کلی بیتت برو و بیا دارد، چرا حرف نمی زنی؟ تو نمی بینی با این نظام دارند چه می کنند چه حرفهایی می زنند، به آقا و ولی این جامعه چگونه رفتار می شه، چه توهینهایی می شه؟ بلند شو حرفت را بزن، حرفت را بزن، تو جزو خواص هستی ناسلامتی، آقا تو نان انقلاب را خوردی چرا الان که زمان دفاع از انقلاب است به خاطر چی سکوت کردی؟ چرا سکوت کردی؟ چرا حرف نمی زنی؟ عجب دنبال این هستی که دنبال کننده هایت کم نشوند؟ نکنه اونهایی که من را قبول دارند حالا من این حرف را بزنم نکنه گرفتار اینها شدی؟

ما دیدیم سرداران بزرگ، کسانی که مسئولان درجه یک این نظام بودند، دیدیم که کم آوردند دیدیم که مقابل ارزشها و مقابل نظام و مقابل آقا ایستادند. بنده یک سردار سپاه هستم... نمی دانم تا فردا چه خبر است، چون دیدم به چشم، سرداران بزرگی که کم آوردند؛ فرماندهان خود من که کم آوردند مقابل ارزشها ایستادند مقابل آقای شان ایستادند مقابل نظام شان ایستادند.» (تلویزیون استانی تبرستان)

روابط عمومی کل سپاه پاسداران حرفهای این سرکرده سپاه را تکذیب نکرده و تنها اعلام کرد که: «ایستادن برخی «سرداران بزرگ» مقابل ولی فقیه «برداشت شخصی، تحلیل و نظر شخصی» اوست.

پس از پاسدار ابادزی، پاسدار غیب پرور جانشین سرکرده کل سپاه پاسداران نیز گفت: «بسیاری از خواص در حوادث اخیر رفوزه شدند.» (ایرنا، جمعه ۱۰ دی ۱۴۰۱)

### ج: لگدکوب شدن نیرنگ و افسانه جنگ

#### خارجی، سوریه ای شدن و تجزیه ایران

خامنه ای می داند که جنگ کمرشکن در راه نیست و با وجود جنگهای نیابتی، شلیک احتمالی چند موشک از جانب آمریکا به برخی از نقاط نه چندان حساس، آسیبی متوجه حکومت نمی شود. او به اندازه کافی طرفهای مجادله را درگیر جنگ نیابتی کرده و در دوران طولانی ماماشات که به عمر نظام است، به اندازه کافی عمده و آکره و مزدور با ساز و برگ کافی سازماندهی کرده است. این حسابگری نابخردانه و کوتاه بینانه آن جا به بن بست می رسد که پارامتر شرایط داخلی، محدودیت اروپا و فشار آمریکا وارد محاسبه شود. این جاست که خامنه ای زمین و زمان را به هم می یافد تا این گونه وانمود کند که دشمن اصلی کشور و مردم، آمریکاست و برای این به خیال خودش، مردم ناراضی را یا سرکوب کند و یا از طریق سیاستمداران ورشکسته همچون سید محمد خاتمی، حسن روحانی و شراک، آنان را منفعل کند.

نظریه پردازان مزبورگیر دستگاه سرکوب با مشتی اراجیف پوچ و اشاعه خرافه های ترسناک مثل «سوریه ای شدن»، «به هم خوردن امنیت»، «خطر حمله نظامی» و... تلاش می کنند تا مردم را به تسلیم وادارند.

نلسون ماندلا به درستی می گفت: «امنیت تنها به معنی نبود جنگ در کشور نیست، امنیت حقیقی یعنی تمام افراد جامعه بدون توجه به نژاد، دین، طبقه، جنسیت و پایگاه اجتماعی از حقوق یکسان برای رشد برخوردار باشند.»

نظریه پردازان و امدادگران ولایت در اپوزیسیون که اکنون مدافع برجام هستند، با تحریمهایی که منجر به عقب نشینی خامنه ای شد مخالف بودند و هم ایثار بودند که در اوج سیاست ماماشات در دوران ریاست جمهوری جرج بوش پسر در مورد خطر «رژیم چنج» هشدار می دادند. مردم با اعتراضهای مداوم خود به اراجیفی که آگاهانه به خاطر منافع و یا ناآگاهانه به خاطر کند ذهنی منتشر می شود، پاسخ مشخص می دهند.

اکنون بسیاری از برجسته ترین حقوقدانان بر تحریم گسترده رژیم تاکید می کنند. جاوید رحمان، گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد نقض حقوق بشر در ایران، در جلسه کمیسیون آمریکا در امور مذهبی بین المللی که

گزارش آن در تاریخ ۷ بهمن ۱۴۰۱ پوشش رسانه ای پیدا کرد گفت: «تحریم وقتی مؤثرتر است که حاکمان رده بالای نظام به طور کامل تحریم شوند، ابراهیم رئیسی باید به طور کامل تحریم شود. چرا که در این مدت در سرکوبها نقش داشته و قبل از آن هم در جایگاه رئیس قوه قضاییه بسیاری از نقضهای حقوق بشر را مجاز کرده است.»

حکومت ایران در فرازی از دسیسه های «ترم افزاری» علیه خیزشهای انقلابی مردم ایران این گفتمان را ترویج می کند که گویا خطر «تجزیه طلبی» به عنوان یک پدیده جدی در بخشهایی از کشور وجود دارد. نظریه پردازان پیدا و پنهان ولایت با الغای گسترده این گفتمان، می خواهند مردم را از پیشرفت انقلاب هراسان و گریزان کنند. حکومت و همچنین جریانهای ارتجاعی و فاشیستی که تبعیض ملیتی و قومی را انکار می کنند و حاضر نیستند اقدام عملی برای رفع آن انجام دهند، اقتدار کشور را نه در مشارکت داوطلبانه و دمکراتیک عموم مردم در سرنوشت خود، که در نظامی استبدادی، مرکزگرا و در به حاشیه راندن بخشهای زیادی از جامعه می بینند.

واقعیت این است که ایران کشوری چند ملیتی است و منافع همه بخشهای جامعه، در اتحاد و همبستگی در ایرانی بدون ستم و تبعیض است. شعارهایی که در سراسر ایران و در همین پنج ماه اخیر سر داده شده، چیزی غیر از این را بازگو نمی کند.

### د: فرصت همه گیری کرونا، آبی برای ولی فقیه

#### گرم نکرد

روز پنجشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۹۸ (۳۰ ژانویه ۲۰۲۰)، سازمان جهانی بهداشت در پی کشته شدن ۱۷۰ نفر در چین و با توجه به افزایش شمار مرگ و میر ناشی از ویروس کرونا، در مورد همه گیری آن در سراسر جهان هشدار داد. کارگزاران نظام با اینکه از این مسأله اطلاع داشتند و گزارش قبلی دولت چین به سازمان جهانی بهداشت که یک ماه قبل ارسال شده بود را دیده بودند، دست به پنهان کاری زدند و شرکت هواپیمایی ماهان، متعلق به سپاه پاسداران، دهها پرواز رفت و برگشت به چین را سامان داد. ورود تعدادی طلبه چینی به قم موجب واگیری گسترده در این شهر شد و حکومت به جای قرنطینه قم، تا روز پنجشنبه ۳۰ بهمن به پنهان کاری ادامه داد. پس از آن معلوم شد طلبه های «جامعه المصطفی العالمیه» که از چین آلوده به ویروس بوده اند، به شهر قم وارد شده و آن را به دیگران منتقل کرده اند.» (بیابیه سچفخا به مناسبت اول ماه مه، سه شنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۹)

ولایت خامنه ای از کرونا به مثابه یک فرصت برای جلوگیری از شورش، جنبش، خیزش و قیام استفاده کرد، به همین دلیل نیز از ابتدا به انکار و دروغ پردازی در باره آن پرداخت و سپس حاضر نشد از داراییهای غارت شده کشور برای پیشگیری از شیوع ویروس و درمان مردم مبتلا هزینه کند. مردم ایران فراموش نمی کنند که خامنه ای روز سه شنبه ۱۳ اسفند ۱۳۹۸، در مورد همه گیری ویروس کرونا گفت: «مسأله یک مسأله گذراست، یک چیز فوق العاده نیست... خیلی هم بزرگش نکنیم.» خامنه ای بود که در همان سخنرانی، کرونا را «یک دساستورد» «تعمت» و «فرصت» توصیف کرد. در فرازی دیگر از فرمانهای ضد انسانی او در روز جمعه ۱۹ دی ۱۳۹۹ اعلام کرد: «ورود واکسن آمریکایی و انگلیسی به کشور ممنوع است.» هم او بود که در همین سخنرانی گفت: «واکسنی که برای کرونا آماده شد این مایه افتخار است، این را انکار نکنند، این مایه عزت کشور، مایه افتخار کشور است.»

بقیه در صفحه ۱۶

## گزارش سیاسی سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به یازدهمین اجلاس شورای عالی

بقیه از صفحه ۱۵



بر اساس گزارشهای گوناگون در جریان همه گیری ویروس کرونا تاکنون دستکم نیم میلیون تن در سراسر کشور در پی ابتلا به ویروس کرونا جان باخته اند. با وجود پنهان سازی کشتار کرونا از سوی حاکمیت، مدتهاست که ایران از نظر تعداد مرگ و میر ناشی از کرونا جزو پنج کشور اول در جهان است.

روز شنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۰، دکتر مسعود یونسیان، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران، در گفت و گو با روزنامه «ستاره صبح» گفت «آمارها به شکل سیستماتیک بسیار کمتر از واقعیت موجود است... می توان گفت آمار واقعی حدوداً ۲۰ برابر آن چیزی است که گزارش می شود.»

به گزارش روز جمعه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۰، جهان صنعت نیوز، ریوز حسین سراج زاده، از کارشناسان حکومتی و رئیس انجمن جامعه شناسی، در هشدار به دولت روحانی گفت: «تعداد مبتلایان و فوتیها که وزارت بهداشت رسماً اعلام می کند، صحیح نیست. پنهانکاری دولت در این زمینه یک نقطه ضعف دیگر بر عملکردش محسوب می شود... دولت به خاطر فشارهای اقتصادی قرنطینه را شکست در صورتی که بهتر بود دولت این مسئولیت خطیر را به عهده می گرفت و با منابع مالی مختلفی که در اختیار داشت به یاری تک تک مردم می شناخت... می توان پیش بینی کرد با ترکیب فشارهای اقتصادی و مطالبات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی موج تازه ای از ناراضیاتیها ایجاد خواهد شد. اگر دولت در سیاستهای بازنگری نکند، مردم همانند آتش فشانی در حال فوران هستند.»

روز دوشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۰ روزنامه های اطلاعات، همشهری، جمهوری اسلامی، دنیای اقتصاد، شرق، اعتماد، سازندگی و هشت صبح با سرمقاله مشترک تحت عنوان «فرصت را از دست ندهید» منتشر شد. در این سرمقاله «مهم ترین و حیاتی ترین موضوع زندگی این روزها»، این گونه بیان شده که «تأمین و توزیع واکسن باید اولین مأموریت همه دستگاههای حاکمیتی باشد». در سرمقاله ۸ روزنامه وابسته به اصلاح طلبان حکومتی دروغی که بارها بی پایه بودن آن برملا شده را تکرار کرده اند که گویا «تحریکها» بر «میزان کارکرد نهادهای متولی سلامت جامعه» تاثیر داشته است. آنها در باره حکم ظالمانه و ضد انسانی خامنه ای مبنی بر ممنوع بودن خرید واکسن آمریکایی و انگلیسی کلامی ننوشته اند. اما تحت فشار واقعیتها مجبور شده اند اعتراف کنند که «بخش خصوصی نیز عدم توفیق خود را در حوزه واردات نه به دلایل خارجی بلکه به موانع داخلی نسبت می دهد.»

مسبح مهاجری مدیر مسئول روزنامه «جمهوری اسلامی»، روز یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۹۹، در این روزنامه نوشت: «برای حل قطعی مشکلات باید قدرتهای مالی بزرگی به صحنه بیایند که از تمکن بسیار بالاتری برخوردارند و اموال آنها متعلق به مردم است. این قدرتها عبارتند از ستاد اجرائی فرمان امام، بنیاد مستضعفان و آستان قدس رضوی. امکانات و منابع مالی گسترده ای که در اختیار این مراکز وجود دارند اگر به عرصه کمک به افشار آسیب دیده از کرونا آورده شوند، مشکلات این افشار در کوتاه ترین زمان و به صورت کامل برطرف خواهد شد. آنها اگر پولهایی را که در اختیار دارند برای نجات مردم مستضعف خرج نکنند، فلسفه وجودی شان را چگونه می خواهند توجیه کنند؟»

این حرف که منابع مالی نهادهای تحت کنترل خامنه ای قادرند «در کوتاه ترین زمان و به صورت کامل» مشکلات افشار آسیب پذیر را حل کنند از قلم کسی تراوش می کند که همواره از کارگزاران مورد اعتماد نظام بوده است. این همان واقعیتی است که ما بر آن تاکید می کنیم و بارها گفته و می گوئیم که رژیم منابع مالی برای غلبه بر این ویروس و بسیاری بحرانهای دیگر در اختیار دارد و نباید پول نقد در اختیار آن گذاشته شود، چرا که پول نقدی که رژیم از فروش نفت به دست می آورد، صرف اموری می شود که به زندگی، سلامت و معیشت اکثریت قاطع مردم ربطی ندارد.

### ه: انقلاب ۱۴۰۱ و «برجام بی فرجام»

بسیاری از آگاهان و تحلیلگران سیاسی بر این نکته تاکید می کنند که چالشهای برجام پیش از شروع جنبش انقلابی جاری با پس از آن به کلی دگرگون شده است. «برجام بی فرجام»، «مرگ برجام»... در شمار مفاهیمی است که به طور مداوم در توصیف این تحول به کار می رود. تاثیر انقلاب ۱۴۰۱ بر همه طرفهای درگیر نشان می دهد که برنده هر شکل از خروجی جدال پیرامون پروژه هسته ای، خیابان و جنبش انقلابی است. چرا؟ راهبرد اصلی رژیم جمهوری اسلامی پیرامون پروژه هسته ای از ابتدا با این جمله تعریف می شود: به نام انرژی اتمی، به کام بمب اتمی! بنابراین با قطعیت می توان گفت که پروژه هسته ای رژیم ایران ابزاری برای دفاع از امنیت نظام بوده و خواهد بود.

خروجی توافق برجام که در روز سه شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۴ در وین نهایی شد، گرچه یک عقب نشینی از جانب ولی فقیه با برچسب «نرمش قهرمانانه» بود، اما داروئی برای درد های بیشمار مردم به ارمان نیامد. از خروج دولت ترامپ از این توافق در اردیبهشت ۱۳۹۷، تا ورود بایدن به کاخ سفید، کشاکش بین آمریکا و رژیم ایران هر روز شدت یافت. با اعلام آمادگی رئیس جمهور جدید آمریکا برای بازگشت به برجام، خامنه ای که در سودای ساخت بمب هسته ای بود، در راه توافق دولت روحانی با طرفهای مذاکره به طور عام و با آمریکا به طور خاص کارشکنی می کرد. حسن روحانی بارها اعلام کرد که توافق در دسترس است به شرطی که موانع داخلی

برداشته شود. او تاخیر در توافق با آمریکا پیرامون موضوع برجام را «خیانت بزرگ» و «تنگ ابدی» اعلام کرد. مخالفت خامنه ای با توافق دستپخت روحانی-ظریف، فرصت سیاست مامشات بایدن برای رژیم را سوزاند.

چند ماه پس از به کرسی نشاندن رئیس، مذاکرات پیرامون برجام در وین دوباره آغاز شد و اما این دور از گفتگوها نیز که به نظر می رسید به پیشرفتهایی هم رسیده باشد، با موش و گربه بازی ولی فقیه به نقطه تعیین تکلیف نرسید.

دقیقاً صد روز پیش از شروع انقلاب «ژینا»، قطعنامه ی به نسبت شدید شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی علیه رژیم در روز چهارشنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۱ صادر شد. در این قطعنامه از عملکرد رژیم ایران «ابراز نگرانی عمیق» شد. مساله مرکزی بین رژیم مالاها با آژانس، جدا از مذاکرات پیرامون برجام، وجود ذرات اورانیوم در سه مکان هسته ای در ایران است.

پنجاه روز پیش از شروع جنبش انقلابی جاری، در رویکرد «پیشنهاد در مقابل پیشنهاد» بین بولر، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و علی باقری کنی، مذاکره کننده اصلی رژیم، فضای خوش بینی کاذبی به وجود آمد که خیلی زود به عکس خود تبدیل شد. خامنه ای که استاد شیره مالیدن بر سر مامشاتگران است، پیشنهاد بولر برای توافق نهایی را با ارائه چند برگ به عنوان پیش نهاد به بایگانی ارسال کرد. اما این «فرصت سوزی» چند باره، به بحران درونی در هیات حاکمه دامن زد.

با افزایش فعالیت هسته ای رژیم به منظور دستیابی به سلاح هسته ای، تیک تاک بمب ساعتی انفجار اجتماعی هم به صدا درآمد.

حدود یک ماه پیش از شروع خیزش انقلابی، مذاکرات پیرامون «تهایی کردن توافق برجام» که قبل از آن با وقفه هایی روبرو شده بود، این بار قطع شد و ادامه نیافت.

شراکت رژیم ایران در تجاوز نظامی روسیه به اوکراین و به این ترتیب شرکت مستقیم در یک جنگ در اروپا، چشم انداز دستیابی به یک توافق را بیش از پیش به

بقیه در صفحه ۱۷



## گزارش سیاسی سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به یازدهمین اجلاس شورای عالی

بقیه از صفحه ۱۶

دوردست راند و پایان همدستی با پوتین را به شرط تعیین کننده برای وصول به چشم اندازی تازه در توافق هسته ای تبدیل کرد.

شهروندان ایران که سیاست ضد مردمی حکومت پیرامون پروژه ویرانگرانه هسته ای را دنبال می کردند و پیش تر به این حقیقت پی برده بودند که سیاست خامنه ای نه تامین انرژی از اورانیوم که ساخت بمب هسته ای است، به عامل و مقصر اصلی تحریمها هم

پی بردند.

طی حدود ۵ ماهی که جنبش انقلابی جریان دارد، همه طرفها از بی حاصل بودن مذاکرات حرف می زنند و شرایط با قیامهای جاری به شکلی رقم خورده که اگر ولی فقیه یک گام از پروژه هسته ای عقب نشینی کند، مردم او را چند گام به عقب خواهند راند و اگر بر لجاجت خود پافشاری کند، با فشارهای سخت تری از خارج روبرو می شود که به بحران درونی در هرم قدرت دامن زده و موجب تضعیف بیشتر نظام می شود.

## جنبش پرتوان بیشماران از دی ماه ۱۳۹۶ تا ۲۵ شهریور ۱۴۰۱

از دی ماه ۱۳۹۶ تا ۲۵ شهریور ۱۴۰۱، که با قتل حکومتی زنده یاد ژینا جرقه انقلاب زده شد، جامعه ایران در تب و تاب تغییر و تحول بود. آنگرگاهی که زیر خاکستر کشتارهای سبعانه دهه ۶۰ و کشتار قیامهای سالهای ۱۳۸۸ و ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ پنهان شده بود، به شعله تبدیل شد و هر روز و شب در جایی به جامعه گرمی می بخشد. با تاکید باید گفت که مردم ایران در این مدت با نزدیک به سی هزار حرکت اعتراضی، اراده خود برای تغییر و برای «نان، کار، آزادی» را نشان دادند. قیام تهیدستان در دی ماه سال ۱۳۹۶ از مشهد آغاز و به سراسر کشور گسترش یافت. سال ۱۳۹۷ را با حرکتی وسیع نیروهای کار و چندین خیزش در کوشه و کنار کشور باید تعریف کرد و خروش هفته آخر آبان ۱۳۹۸ دیگر جای تردیدی باقی نگذاشت که شور و شوق رهایی در درون وسیع ترین بخشهای جامعه رخنه کرده است. پس از قیام آبان است که صدای همدارها از درون هرم قدرت بلندتر شد و می گفتند: «بترسید از «شورش و آشوب» کسانی که چیزی برای از دست دادن ندارند.

پاسدار حسین ساجدی نیا سرکرده پیشین پلیس تهران بزرگ در مراسم تودیع خود گفت: «تنها در سال گذشته بیش از ۱۶۰۰ تجمع صنفی و اقتصادی در شهر تهران شکل گرفت.» (تسنیم، وابسته به سپاه قدس، ۱۹ مرداد ۱۳۹۶)

پاسدار حسین ذولفقاری، معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور اعلام کرد که: «تا آخر آذر ماه حدود ۵ هزار تجمع عمده در کشور برگزار شد.» (ایلنا، پنجشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۶)

سرکرده نیروی انتظامی استان خوزستان در روز دو شنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۷ گفت: «پلیس خوزستان از ابتدای امسال تاکنون ۶۵۰ اعتراض کارگری را در سطح استان مدیریت کرده است.» (ایرنا)

پاسدار حسین رحیمی روز دوشنبه ۱۰ دی ۱۳۹۷ در همایش سرکردگان نیروی انتظامی تهران بزرگ گفت: «در ۹ ماه گذشته ۹۲۲ مورد تجمع داشته ایم.» (ایلنا)

خیزشهای توده ای در برازجان، خرمشهر در تیرماه سال ۱۳۹۷، همبستگی و اتحاد مردم در کمک به مردم زلزله



حکومت در برخورد با خیزشها و جنبشهای مردمی به شیوه همیشگی خود یعنی سرکوبی متوسل می شد. این تنها پاسخ صاحبان قدرت و ثروت به توده های محروم است. زندان، شکنجه بدنی و روانی، تحقیر، کشتن زیر شکنجه با عنوان سخیف خودکشی و فشار برای اعتراف از خود شیوه همیشگی رژیم بوده و خواهد بود.

همزمان با استفاده از شیوه «سخت افزاری»، دستگاههای تبلیغاتی رژیم که به طور مستقیم از خامنه ای رهنمود و دستور می گیرند، به روشهای «نرم افزاری» مثل راه انداختن تظاهرات حکومتی، ساخت فیلم و... متوسل شده و می شوند.

طعنه های روزمره مردم به «مستند» سازیهای قلابی گواه بر این است که اکثریت قاطع مردم هیچ اعتمادی به نظام ندارند و اگر چه همه ظرفیتهای خودشان را به میدان نیاورند، اما روند جنبش نشان می داد که زنگهای سرنگونی به صدا درآمده است.

در برابر سرکوبگریهای حکومت، ما از طریق رسانه های خود بارها اعلام کردیم که واکنش دشمنانه و وحشیانه حکومت به صداهای حق طلبانه مردم این را اثبات می کند که درب «خیمه نظام» به روی مشکلات، خواسته ها و نیازهای امروز و امید و آرزوهای فردای مردم بسته است. پس نزدیک ترین و عقلانی ترین راه برای دیده و شنیده شدن فرودستان، به زیر کشیدن فرادستان کر و کور است.

## تصویر کلی از جنبش بیشماران

از خیزش دی ماه ۱۳۹۶ تا ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ (روز اعلام شهادت ژینا) دستکم ۲۵ هزار ۷۸۷ حرکت اعتراضی از جانب کارگران، کشاورزان، معلمان شاغل و بازنشسته، کارگران بازنشسته و بیکار، پرستاران، کامیونداران، دستفروشان، بازاریان، غارت شدگان، مدافعان حفاظت از محیط زیست، خانواده های زندانیان سیاسی و فعالان سیاسی اجتماعی و ۵۶۲ حرکت اعتراضی، شامل اعتصاب، تجمع، تحصن و راهپیمایی توسط دانشگاهیان به شرح زیر و یا تفکیک سال صورت گرفت. گزارش این حرکتها اعتراضی در ماهنامه نبرد خلق پوشش داده شده است:

## نیروهای کار و زحمت

\*از دی ماه سال ۱۳۹۶ تا پایان این سال بدون محاسبه خیزشهای دی ماه، دستکم ۶۶۸ حرکت.  
\*در سال ۱۳۹۷، دستکم ۹۴۷۳ حرکت.  
\*در سال ۱۳۹۸ دستکم ۳۲۲۰ حرکت که ۱۵۰۰ مورد آن مربوط به قیام آبان است.  
\*در سال ۱۳۹۹، دستکم ۲۷۴۴ حرکت.  
\*در سال ۱۴۰۰، دستکم ۹۵۷۹ حرکت.  
\*از فروردین ۱۴۰۱ تا ۲۵ شهریور ۱۴۰۱، دستکم ۱۰۳ حرکت.

بقیه در صفحه ۱۸

## گزارش سیاسی سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

بقیه از صفحه ۱۷

### دانشگاهیان

\* از اول آذر ۱۳۹۶ تا اول آذر ۱۳۹۷، دستکم ۲۴۳ حرکت.

\* از اول آذر ۱۳۹۷ تا اول آذر ۱۳۹۸، دستکم ۱۶۱ حرکت.

\* از اول آذر ۱۳۹۸ تا اول آذر ۱۳۹۹، دستکم ۶۷ حرکت.

\* از اول آذر ۱۳۹۹ تا اول آذر ۱۴۰۰، دستکم ۴۶ حرکت.

\* از اول آذر ۱۴۰۰ تا ۲۵ شهریور ۱۴۰۱، دستکم ۴۵ حرکت.



رویدادهای بین دی ماه ۱۳۹۶، تا شهریور ۱۴۰۱ نشان می دهد که «انقلاب ژینا» محصول انباشت همه جنبشها و قیامهایی است که پیش از آن در تاریخ تسلط مالاها بر ایران صورت گرفته است. نیروهای انقلاب دمکراتیک مردم ایران همان جریانهای اجتماعی هستند که از شکل گیری جمهوری اسلامی استبداد مذهبی را بر نتابیدند و روز به روز با پیکار بی امان پیش رفتند و سازند.

روزی که بر سنگ مزار شهید مهسا امینی این جمله به همگان نشان داده شد که «ژینا جان تو نمی میری، نامت یک رمز می شود» و روزی که پدر شهید محمد حسن زاده در مراسم به خاک سپردن پیکر پسر جوانش گفت: «ی ه دوره برای این که کسی را توصیف کنند، می گفتیم خیلی مرده، الان مردی که جرئت جسارت و مردانگی داشته باشه باید بهش بگیم خیلی زن هستی، چون جسارت زنان بسیار بالاتر از مردان است»، راهکار «النصر بالربع» ولی فقیه به سخره گرفته شد.

### دیدگاهها و رویکردها

۱- سازمان ما در منشور و در مصوبات اجلاسهای شورای عالی بارها بر این که ما کمونیستها برای برچیدن نظام مبتنی بر استثمار مبارزه می کنیم تأکید کرده است. در سند پیوست شماره یک گزارش سیاسی مصوب هشتمین اجلاس شورای عالی سازمان، اعلام کردیم که: «سازمان ما خود را در جبهه نیروهای کار تعریف می کند و برای سوسیالیسم و تحقق شعار "از هر کس به اندازه استعدادش و به هر کس به اندازه نیازش مبارزه می کند.»

سازمان ما مدافع اتحاد کمونیستها همزمان با به رسمیت شناختن گرایشها و دیدگاههای گوناگون با حفظ مرزهای معین و خط سرخهای روشن است. از این جهت ما بار دیگر «از تمامی فعالان جنبش کمونیستی ایران که برای استقلال، آزادی، دموکراسی، صلح، سوسیالیسم مبارزه می کنند و از همه پیروان جنبش پیشتاز فدایی دعوت می کنیم که برای گسترش و تقویت نقش کمونیستهای ایران در انقلاب دمکراتیک و ضد استبدادی مردم ایران متحد و متشکل شوند. منشور

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، پیشنهاد ما به همه کمونیستهای ایران برای اتحاد و همبستگی است.»

۲- انقلاب جاری ادامه تلاش مردم ایران از آستانه انقلاب مشروطیت تا کنون برای دمکراتیزه کردن حیات جامعه و مشارکت مستقیم در سرنوشت خود است. نزدیک به صد و بیست سال است که زنان و مردان ایران زمین با جنبشهای سترگ خویش برای تحقق آزادی مبارزه می کنند.

ما خاطره تمامی زنان و مردانی که در بیش از صد و بیست سال گذشته در رزم بی امان با ستمگران، در راه آزادی و عدالت به شهادت رسیدند را گرامی می داریم

ما در عرصه جهانی چنین اعلام شده است: «فعالیت گسترده در خارج از ایران و استفاده از همه امکانات جهانی (مراجع بین المللی - دولتها - سازمانهای اجتماعی - نهادهای مدافع حقوق بشر و...) بر اساس حفظ استقلال و رعایت موازین و اسلوبهای شناخته شده بین المللی در جهت هرچه منفرد کردن استبداد مذهبی حاکم بر ایران و گسترش مبارزه مردم برای سرنگونی رژیم.»

در قطعهنامه مصوب پنجمین اجلاس شورای عالی سازمان ضمن تأیید مواضع بالا تأکید کردیم: «استفاده از امکانات مذکور در صورتی که به دخالت در امر انقلاب مردم ایران و یا تن دادن به آلترناتیو سازیها برای آینده ایران و یا کمک به جنگ خارجی منجر شود، نافی استقلال به شمار می رود.»

۸- هدف عاجل و مقدم سازمان چریکهای فدایی خلق ایران سرنگونی رژیم حاکم بر ایران با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن است. به خاطر دستیابی به این هدف و کاستن از هزینه های گزاف مبارزه علیه استبداد دینی ما به ائتلاف سیاسی شورای ملی مقاومت ایران پیوستیم و به سهم خود در این ائتلاف ایفای نقش می کنیم.

به همان گونه که در نهمین اجلاس شورای عالی سازمان اعلام کردیم: «ما قیام همگانی و استفاده از تمامی اشکال مبارزه را حق مسلم مردم ایران می شماریم. سازمان ما ایجاد هسته های مخفی مقاومت، تشکیل هسته های کوچک رسانه ای و خبر رسانی، ایجاد کمیته های مخفی عمل و شوراهای هماهنگی، سازمانیابی برای نافرمانی مدنی و... را راهکارهای ایجاد بی شمار کانونهای شورشی می داند. این راهکارها اشکال مناسب و عملی برای هماهنگی مبارزه کارگران، معلمان، کارمندان، مزدبگیران، پرستاران، دانش آموزان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، فرهنگیان هنرمندان است و ما به سهم و توانایی خود در این مسیر تلاش می کنیم.» (گزارش سیاسی، مصوب نهمین شورای عالی سازمان، سه شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۵/۷ فوریه ۲۰۱۷)

۹ - ما از گردهمایی های ایرانیان خارج از کشور که علیه استبداد مذهبی حاکم، و با مرزبندی شفاف با دیکتاتوری «شیخ و شاه» برگزار می شود، حمایت می کنیم.

۱۰- انقلاب مردم ایران با همه اصالت و عمق آن و با وجود افت و خیزهای آن باید پیروز شود و شرایط برای تحقق خواسته های دیرین مردم فراهم گردد. بدون سرنگونی رژیم چهل و جنایت حاکم با همه باندهای

بقیه در صفحه ۱۹

و به همه زندانیان سیاسی که زیر فشار و شکنجه دژخیمان خامنه ای مقاومت می کنند، درود می فرستیم. ما به پایداری خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی، به مقاومت همه زندانیان سیاسی و عقیدتی ادای احترام می کنیم.

ما از جنبش دادخواهی خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی و عقیدتی حمایت می کنیم و برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی و برچیدن مجازاتهای وحشیانه سنگسار، قصاص، قطع اعضای بدن و اعدام در ایران مبارزه می کنیم.

۳- سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برای آزادی بدون حد و مرز بیان و اندیشه، آزادی اطلاع رسانی و نفی هرگونه سانسور، رفع تمامی اشکال تبعیض جنسیتی از زنان و برابری کامل زن و مرد در تمامی عرصه های حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قضایی، برخورداری ملیتهای ساکن ایران از حقوق مساوی و بدون تبعیض در تمامی پهنه های دولتی و اجتماعی و لغو هرگونه تبعیض مذهبی مبارزه می کند. ما خواهان فرصتهای برابر در زمینه های آموزش، بهداشت، حرفه و... برای تمام مردم مستقل از جنسیت، نژاد، مذهب و تعلق اجتماعی هستیم.

ما از همه جنبشهای اجتماعی برای تحقق این خواسته ها و از هر تلاش برای جلوگیری از نابودی طبیعت و حفاظت و بهسازی محیط زیست بر اساس توسعه پایدار حمایت می کنیم.

### ۴- ما مخالف شکنجه و مجازات اعدام هستیم.

۵- ما خواستار اقدام بی درنگ شورای امنیت ملل متحد به منظور جلوگیری از اعدام زندانیان، نقض حقوق بشر و پایمالی حقوق و سرکوب فعالان سیاسی و مدنی در ایران هستیم. ما مصرانه خواهان بازدید گزارشگران ویژه حقوق بشر از زندانهای رژیم جمهوری اسلامی و ملاقات با خانواده شهدا و زندانیان سیاسی هستیم.

۶- ما از مبارزه به حق کارگران، مزدبگیران و کارکنان شرکتهای دولتی و خصوصی علیه نظام حاکم و سرمایه داری لگام گسیخته که تعرض به سطح زندگی و معیشت مردم را گسترش بی سابقه داده حمایت می کنیم. ما ضمن همبستگی با جنبش اعتراضی نیروهای کار و بخشهای متشکل آن، به شول شوراها، سندیکاها و اتحادیه ها، از خواسته های فوری و پایه ای کارگران و مزدبگیران پشتیبانی می کنیم.

۷- در شهریور ماه سال ۱۳۸۲ ما تأکید کردیم: «با هرگونه دخالت نظامی خارجی و هرگونه جانشین سازی که اراده آزاد مردم ایران برای تحقق حاکمیت ملی را نفی کند، مخالفیم.» (گزارش سیاسی، مصوب شورای عالی سازمان، ۲۸ شهریور ۱۳۸۲) در همین سند وظایف



مجید رضا رهنورد محمد مهدی کرمی محمد حسینی محسن شکاری

## گزارش سیاسی سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

بقیه از صفحه ۱۷

درونی آن، هیچیک از خواسته های مردم تحقق پذیر نیست. از این رو ما زنان و مردان آزادیخواه ایران زمین را به اتحاد و مبارزه به منظور ایجاد جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و تحقق یک جمهوری دموکراتیک، سکولار و مستقل فرامی خوانیم.

(این گزارش توسط مهدی سامع قبل از برگزاری یازدهمین اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به تشکیلات ارائه شد و در نخستین جلسه این اجلاس در روز یکشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۱ برابر با ۵ فوریه ۲۰۲۳ پس از بحث و بررسی و با تئیراتی به اتفاق آرا به تصویب شرکت کنندگان در جلسه شورای عالی سازمان رسید.)

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی

زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم



به عنوان یک اصل و قاعده عام، بدون این تغییرات عینی - که نه فقط از اراده یک گروه و حزب واحد بلکه از اراده یک طبقه واحد نیز خارج است - انقلاب ناممکن است.

کلیت و مجموعه این تغییرات عینی موقعیت انقلابی خوانده می شوند.

هر موقعیت انقلابی به انقلاب نمی انجامد، بلکه انقلاب فقط از شرایطی سر برمی آورد که در آن تغییرات عینی مورد بحث با یک تغییر ذهنی همراه گردد و آن تغییر ذهنی یعنی قابلیت طبقه انقلابی برای دست زدن به یک عمل توده ای فراگیر. حرکتی آن چنان قدرتمند که بتواند کمر حاکمیت کهنه را شکسته (یا مهره های آن را منفصل کند)؛ حاکمیتی که اگر به زمین اش نزنن خود هرگز، حتی در دوره های بحران نیز خود بخود فرو نخواهد ریخت.

«آیا این موقعیت برای مدتی طولانی باقی خواهد ماند؛ اوضاع چقدر وخیم تر از این خواهد شد؟ و آیا این اوضاع به انقلاب منتهی خواهد گشت؟ این آن چیزی است که ما نمی دانیم و هیچکس دیگری نیز نمی تواند بداند. پاسخ به این سوال، تنها با تجربه به دست آمده در جریان رشد و گسترش روحیه انقلابی و تبدیل آن به عمل انقلابی از سوی طبقه پیشرو، یعنی پرولتاریا، قابل دستیابی است. در اینجا جایی برای بحث بر سر «توهمات» یا رد توهمات وجود ندارد، چرا که هیچ سوسیالیستی هرگز تصمیم نکرده که این جنگ (و نه جنگ بعدی) یا موقعیت انقلابی امروز (و نه موقعیت انقلابی فردا) موجب انقلاب خواهد شد. آنچه که در اینجا مورد بحث است این است که وظیفه مسلم و بنیادین تمامی سوسیالیستهاست تا وجود یک موقعیت انقلابی را برای توده ها آشکار ساخته، دامنه ها و عمق آن را توضیح داده، آگاهی و عزم طبقاتی پرولتاریا را برانگیخته، به او برای روی آوردن به عمل انقلابی یاری رسانده و بدین منظور، تشکیلات مناسب و منطبق با موقعیت انقلابی را شکل دهند. هیچ سوسیالیست تاثیرگذار و متعهدی هرگز نسبت به این وظیفه احساس شک و شبهه به خود راه نمی دهد.

## پانویس

\*نظر لنین در اثر «سقوط انترناسیونال دوم» پیرامون موقعیت انقلابی برای مارکسیستها، این موضوعی مسلم و غیرقابل بحث است که انقلاب بدون وجود موقعیت انقلابی امری ست ناممکن. اما هر موقعیت انقلابی هم به انقلاب نمی انجامد. به طور کلی، علائم یک موقعیت انقلابی چیست؟ در پاسخ به این سؤال، قطعاً به خطا نرفته ایم اگر سه علامت زیر را برشماریم:

(۱) هنگامی که برای طبقات حاکم غیرممکن است تا حاکمیت خود را بدون تغییر و به سیاق قبل حفظ نمایند، یعنی آن هنگام که بین «طبقات فرادست» به این یا آن شکل بحران ایجاد گردیده، بحرانی در مشی و سیاست طبقه حاکم و این بحران به شکافی منتهی گردیده که از طریق آن نارضایتی و خشم طبقات تحت ستم بیرون چهید و منفجر می گردد. برای وقوع انقلاب، معمولاً این ناکافی است که «طبقات فرودست نخواهند» به شیوه سابق زندگی کنند.

(۲) هنگامی که مشقات و مطالبات طبقات تحت ستم به سطحی بیش از حد معمول رشد یافته اند.

(۳) هنگامی که در نتیجه علل فوق، رشد قابل ملاحظه ای در جنب و جوش توده ها پدید آمده، توده هایی که در شرایط «آرامش» بدون شکوه و شکایت اجازه می دهند تا مورد غارت قرار گیرند، ولی در شرایط آشفته و طوفانی - هم به واسطه اوضاع و احوال ناشی از بحران و هم در نتیجه عملکرد خود «طبقات حاکم» - به سمت حرکت تاریخی و مستقل خود کشیده می شوند.

## نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیانیها

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

**NABARD - E - KHALGH**

No : 460/ 15 February 2023

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

**NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE**

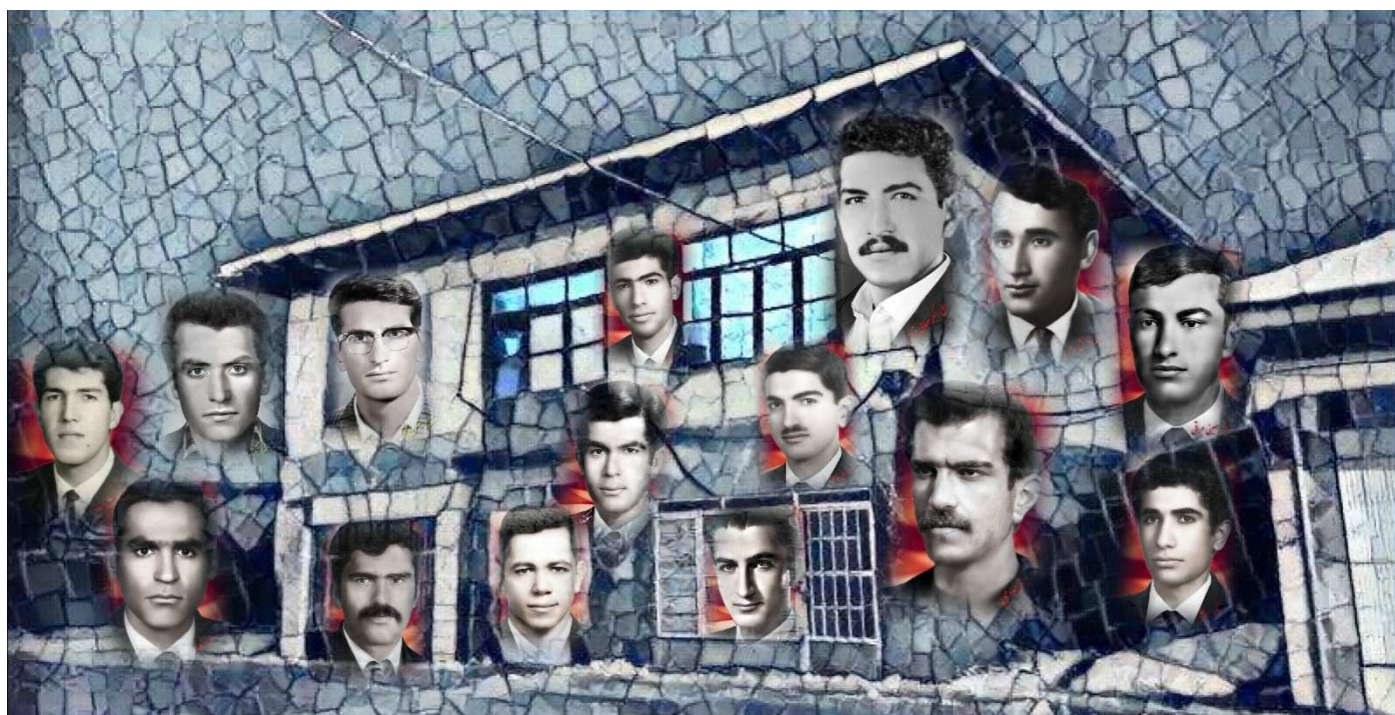
www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard\_khalg --- [https://telegram.me/nabard\\_khalgh](https://telegram.me/nabard_khalgh)

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalgh>



نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی – زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم